



• شنبه، ۷ شهریور ۱۴۰۵
• سال سی و دوم، شماره ۹۱۰۹
• Saturday - 29 August 2026

Iran
Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)

irannewspaper.ir

روایت یک ستاد ملی

برای بازخوانی سیره نبوی

۱۵۰۰ سال با پیامبر رحمت

از تثبیت یک مناسبت جهانی تا شکل گیری

نقشه‌راهی ملی و بین‌المللی برای معرفی پیامبر اکرم (ص)



همراه با برآوردهای مالی، برای بررسی و پیگیری به سازمان برنامه و بودجه ارسال شده است.

هنر و رسانه: زبان فراگیر معرفی پیامبر رحمت

یکی از برجسته‌ترین عرصه‌های فعالیت ستاد، حوزه هنر و رسانه است؛ زیرا پیامبر رحمت (ص) باید با زبان امروز، در قالبی اثرگذار و متناسب با ذائقه نسلی جدید معرفی شود. طراحی و انتشار هویت بصری و پوستر ملی میلاد پیامبر (ص)، شامل طراحی لوگو، پوستر، اکران شهری، انتشار در روزنامه‌ها و پایگاه‌های خبری و رومانی از تمیز زنجاری جشن‌های «رحمة للعالمین»، «ایران ۱۰ تیزر تبلیغاتی ملی، یک ناهنگ ملی و یک قطعه احتمالی موسیقی با محوریت نبی مکرم اسلام (ص) تولید شده و ۳۰ قسمت برنامه تلویزیونی استانی نیز بر رویادهای و پوشش «امت احمد (ص)» تمرکز یافته است. برگزاری جشن‌های «رحمة للعالمین»، «ایران عزیز»، «دفن‌وزان» و «پیامبر رحمت» در تهران و استان‌های مختلف، از دیگر جلوه‌های مردمی این حرکت بوده است. براساس گزارش‌ها، ۶۹ جشن وحدت، میلاد پیامبر، جشنواره، جنگ شادی و جشن مردمی در ۲۴ استان برگزار شده و ۱۵ برنامه موسیقی، شامل دفن‌وازی، موسیقی محلی و منقبت خوانی، در ۱۵ استان به اجرا درآمده است. در عرصه نمایش نیز ۷۳ اجرای خیابانی، صحنه‌ای، کودک، مذهبی و مناسبتی در ۲۴ استان برگزار شده است. دو نمایشگاه هنری شامل نقاشی، خوشنویسی و آثار تجسمی در دو استان برپا شده و ۲۶ کارگاه در زمینه‌هایی چون قصه‌گویی، خوشنویسی، نقاشی، نقالی، سواد رسانه‌ای و هنرهای مختلف برگزار شده است.

«امت احمد»؛ جشن مردمی وحدت و همدلی
برنامه‌های مردمی جشن تنها به تولید آثار و برگزاری جشن محدود نشده است. پوشش «امت احمد (ص)» پوشیده است میلاد پیامبر را به فرصتی برای تقویت پیوندهای اجتماعی و مذهبی تبدیل کند. برگزاری ۱۵ جشن متمرکز استانی و ۱۶۳۰ جشن شهرستانی «امت احمد (ص)» در سراسر کشور، یکی از مهم‌ترین نمودهای این رویداد است. برگزاری ۲۴ مسابقه فرهنگی و هنری با موضوع پیامبر (ص)، ۱۴ اردوی آموزشی و فرهنگی ویژه دانش آموزان و نخبگان جوان، یادواره شهدا و ۵۷ آیین تجلیل از علما و خانواده‌های شهدای اهل سنت، در زمره فعالیت‌هایی است که پیوند میان سیره نبوی، هویت ملی و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. اعزام ۱۰۰ مبلغ شیعه و اهل سنت به استان‌ها و مناطق مختلف کشور برای دعوت به وحدت و همبستگی اسلامی، برگزاری ۱۱ پایادهای خانوادگی وحدت و اعزام هفت کاروان شادی سیار به مناطق محروم نیز از دیگر برنامه‌های اجرا شده در این حوزه است. این اقدامات نشان می‌دهد ستاد، وحدت را نه در سطح شعار، بلکه در قالب حضور مشترک مردم، علما، جوانان و گروه‌های اجتماعی پیگیری می‌کند.

● ادامه در صفحه ۱۴

طراحی کرده است؛ کارگروه‌هایی که هر یک بخشی از ظرفیت دستگاه‌های کشور را در خدمت معرفی سیره نبوی قرار می‌دهند.

کارگروه دیپلماسی و ارتباطات اسلامی: با مسئولیت وزارت امور خارجه و دبیری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مأموریت دارد ارتباط با کشورهای اسلامی، نهاد‌های دینی، مراکز فرهنگی و نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را سامان دهد.

کارگروه علمی و پژوهشی: با مسئولیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دبیری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بر نشست‌های علمی، حمایت از پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها، آثار دانشگاهی و گفت‌وگوهای متمرکز دارد.

کارگروه تبلیغ و ترویج: با مسئولیت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی و دبیری سازمان تبلیغات اسلامی، مسئولیت گسترش برنامه‌های مردمی، مذهبی و ترویجی را بر عهده دارد.

کارگروه هنری و رسانه‌ای: با مسئولیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیری سازمان صدا و سیما، مأمور تولید آثار هنری، رسانه‌ای، سینمایی، نمایشی و دیجیتال است.

در کنار این کارگروه‌ها، دبیرخانه ستاد نیز به‌عنوان محور هماهنگی و پیگیری، برنامه‌ها و فعالیت‌های مستقلی را در دستور کار قرار داده است. برنامه‌های دستگاه‌ها پس از دریافت، در نشست‌های کارشناسی و جلسات دبیران کارگروه‌ها بررسی شد و در نهایت، ۲۰۳ برنامه برای کارگروه‌ها و ۲۱ برنامه و فعالیت برای دبیرخانه ستاد پیش‌بینی شد. این حجم از برنامه‌ریزی نشان می‌دهد که ستاد، بزرگداشت ۱۵۰۰ سالگی میلاد پیامبر (ص) را رویدادی یک‌روزه یا محدود به هفته وحدت نمی‌داند؛ بلکه آن را یک افق یک‌ساله برای تولید جریان فرهنگی و اجتماعی می‌بیند.

از بودجه تا اجرا
تلاش برای استفاده از همه ظرفیت‌ها

جلساتی با سازمان برنامه و بودجه برگزار شد تا برنامه‌های کارگروه‌ها در یک بازه زمانی یک ساله بررسی و برای تأمین اعتبار آنها برنامه‌ریزی شود. بر اساس پیگیری‌های انجام شده و با تأکید معاون اول رئیس‌جمهور، مقرر شد اعتباری برای برنامه‌های کارگروه‌ها و دبیرخانه در اختیار ستاد قرار گیرد. اما رویکرد ستاد صرفاً متکی به بودجه اختصاصی نبوده است. با توجه به محدودیت‌های مالی کشور، استفاده از ظرفیت‌های جاری قوه مجریه، نهادهای فرهنگی، مراکز علمی، رسانه‌ها، مساجد، مدارس، دانشگاه‌ها و تشکلات‌های مردمی نیز در دستور کار قرار گرفته است.

برخی برنامه‌ها به دلایلی از جمله جنگ رمضان، جنگ ۱۲ روزه و پیامدهای آن، همچنین محدودیت و تأخیر در تخصیص اعتبارات، با دشواری‌هایی در اجرا روبه‌رو شدند. با این‌همه، گزارش اقدامات سال ۱۴۰۴ و برنامه‌های در دست اقدام سال ۱۴۰۵،

فرهنگ و ارشاد اسلامی مطرح شد. این پیشنهاد با موافقت رئیس‌جمهوری همراه شد و پس از ارجاع به معاون اول رئیس‌جمهور، در هیأت وزیران به تصویب رسید. در جلسه ۲۲ تیر ۱۴۰۴، تشکیل این ستاد با ریاست معاون اول رئیس‌جمهور و با حضور شماری از اعضای هیأت دولت، شخصیت‌های حقوقی ملی و پنج نفر از نخبگان اهل سنت تصویب شد؛ ترکیبی که خود، بیانگر توجه ستاد به مسأله وحدت اسلامی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی و حضور فعال همه مذاهب اسلامی در این رویداد است. نخستین جلسه ستاد به ریاست دکتر محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، برگزار شد. شرح وظایف ستاد نیز در جلسه پنجم مرداد ۱۴۰۴ تصویب و در ۲۶ مرداد همان سال به تأیید رئیس‌جمهوری رسید. دبیری ستاد بر عهده وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت و دبیرخانه ستاد نیز در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد تا هماهنگی میان دستگاه‌ها، پیگیری برنامه‌ها و رصد اجرای مصوبات را بر عهده گیرد.

تشکیل این ستاد از یک ضرورت روشن برآمده است: مناسبت هزار و پانصدمین سال میلاد پیامبر (ص)، ظرفیتی استثنایی برای بازتابی چهره حقیقی اسلام و پیامبر اسلام در جهان امروز است؛ جهانی که بیش از هر زمان به اخلاق، صلح، مدارا، گفت‌وگو، عدالت و کرامت انسانی نیاز دارد. این ستاد بنا دارد سیره پیامبر اکرم (ص) را نه صرفاً در قالب موضوعی تاریخی، بلکه به‌عنوان الگویی زنده برای مسائل انسان معاصر عرضه کند.

اهداف: از انسجام ملی تا گفت‌وگوی جهانی

فعالیت‌های ستاد بر چند هدف و راهبرد اصلی استوار شده است. اولین هدف، تولید پژوهش‌های نوآمد و تبیین ویژگی‌های والای شخصیت و معارف نبوی برای نسل امروز، در داخل و خارج از کشور و با استفاده از زبان‌ها و قالب‌های نوین است. تحکیم انسجام ملی و وحدت اسلامی با محوریت سیره پیامبر رحمت (ص)، از دیگر اهداف اساسی ستاد است. در کشوری که اقوام، مذاهب و فرهنگ‌های متنوع در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، سیره نبوی می‌تواند نقطه مشترک و پیونددهنده‌ای برای تقویت همدلی اجتماعی باشد. توجه به ظرفیت اهل سنت و نخبگان مناطق مختلف کشور نیز در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند. ستاد همچنین تولید و ترویج محتوای فرهنگی، رسانه‌ای و هنری در تراز جهانی را دنبال می‌کند تا معارف پیامبر اکرم (ص) به زبان قابل فهم مخاطبان بین‌المللی معرفی شود. محوریت‌بخشی به شخصیت رسول خدا (ص) در تقویت امت اسلامی، گسترش تعامل میان مسلمانان جهان، گفت‌وگو با پیروان دیگر ادیان و برگزاری برنامه‌های علمی، فرهنگی، هنری و رسانه‌ای در داخل و خارج از کشور، دیگر اوضاع این نقشه‌راه را تشکیل می‌دهد.

تقسیم کار ملی
پنج کارگروه برای یک مأموریت بزرگ

برای آنکه بزرگداشت این رویداد به مجموعه‌ای پراکنده از برنامه‌ها تبدیل نشود، ستاد ساختار اجرایی خود را در قالب پنج کارگروه تخصصی

هزار و پانصد سال از طلوع خورشیدی می‌گذرد که نه‌تنها تاریخ عربستان، بلکه مسیر تاریخ انسان را دگرگون کرد؛ خورشیدی که پیامش رحمت، کرامت، عدالت، عقلانیت، گفت‌وگو و همزیستی بود. سال ۱۴۴۷ هجری قمری، بر پایه محاسبات تاریخی و تقویم قمری، مقارن با هزار و پانصدمین سال ولادت حضرت محمد مصطفی (ص)، پیامبر رحمت و خاتم پیامبران است؛ مناسبتی کم‌نظیر که ظرفیتی فراتر از یک آیین تقویمی یا یک هفته بزرگداشت دارد. برای امت اسلامی، این رویداد فرصتی است تا بار دیگر در شخصیت، منش، اخلاق و میراث تمدن‌ساز رسول اکرم (ص) تأمل کند؛ تعهد خود را نسبت به زندگی در پرتو سیره نبوی بازخواند و زبان تازه‌ای برای معرفی پیامبر مهربانی به نسل امروز و مخاطبان جهان بیابد. در چنین افقی، «ستاد بزرگداشت هزار و پانصدمین سال ولادت پیامبر رحمت (ص)» شکل گرفت؛ ستادی که مأموریت خود را از برگزاری مراسم مناسبتی فراتر برده و در پی آن است که جریان فرهنگی، علمی، هنری، اجتماعی و رسانه‌ای گسترده‌ای را با محوریت شخصیت پیامبر اسلام سامان دهد.

یک مناسبت مورد تأیید جهان اسلام

پیش از شکل‌گیری سازوکار ملی بزرگداشت این رویداد، اول باید جایگاه تقویمی آن با پشتوانه‌ای معتبر در جهان اسلام روشن می‌شد. از همین رو، استفساری رسمی از «مجمع بین‌المللی فقه اسلامی» مستقر در جده انجام گرفت. این نهاد فقهی، پس از بررسی محاسبات تاریخی و تقویم هجری قمری، اعلام کرد که سال ۱۴۴۷ هجری قمری، مصادف با هزار و پانصدمین سال ولادت حضرت محمد (ص) است. براساس اعلام این مجمع، این مناسبت در روزهای ۱۱ یا ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ هجری قمری، برابر با ۳ سپتامبر ۲۰۲۵ میلادی، قرار می‌گیرد. این تأیید، زمینه‌ای مهم برای طرح موضوع در سطح نهادهای بین‌المللی اسلامی فراهم کرد. در گام بعدی، موضوع با پیگیری وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری اسلامی مطرح شد. قطعنامه پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران درباره گرامیداشت هزار و پانصدمین سالگرد ولادت پیامبر اکرم (ص)، در نشست شورای وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی که در روزهای ۳۱ خرداد و اول تیر ۱۴۰۴ در استانبول برگزار شد، با اجماع به تصویب رسید. این قطعنامه، سال ۱۴۴۷ هجری قمری (مصادف با ۱۴۰۴-۱۴۰۵ شمسی) را سال بزرگداشت هزار و پانصدمین سال میلاد پیامبر اکرم (ص) معرفی کرد و بر انجام فعالیت‌های ملی و بین‌المللی برای تکریم شخصیت والای رسول خدا (ص)، تبیین آموزه‌های ایشان و معرفی میراث گران‌بهای نبوی تأکید داشت. از این منظر، بزرگداشت ۱۵۰۰ سالگی میلاد پیامبر، تنها یک برنامه داخلی نیست؛ بلکه نقطه‌ای برای هم‌افزایی کشورهای اسلامی، پیوند میان مذاهب و گفت‌وگو با پیروان ادیان دیگر به شمار می‌آید.

چرا ستاد بزرگداشت تشکیل شد؟

پیشنهاد تشکیل ستاد بزرگداشت هزار و پانصدمین سال ولادت پیامبر رحمت (ص) از سوی وزارت

ایران

آن سوی پانزده قرن

مسیر حضرت محمد (ص)

راه بازگشت از جهان گسسته



محسن جوادی

جانشین دبیر ستاد هزاروپانصدمین سال تولد پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله

پانزده قرن از میلاد پیامبری می‌گذرد که آمدنش را نمی‌توان تنها در گردش تقویم‌ها یا به‌مثابه واقعه‌ای در گذشته محصور کرد؛ زیرا میلاد ایشان، تولد یک امکان بود؛ امکان آنکه انسان از حصار تنگ قبیله، از اسارت خون و خاک و بت، از فرمانروایی زور و عادت و از پراکندگی بی‌معنای خویش بیرون آید و به افقی برسد که در آن کرامت، عدالت و معنویت، نه واژه‌هایی برای خطابه که ارکان زندگی جمعی باشند. از همین رو، رسالت ایشان را نمی‌توان در مجموعه‌ای از مناسک، خاطرات و مواظف خلاصه کرد. نبوت در عمیق‌ترین معنای خود، طرحی برای انسانی‌کردن جهان بود؛ طرحی که آغاز شد و راه را آشکار کرد و انسان را در برابر مسئولیت ادامه دادن آن قرار داد.

اکنون، در آستانه هزاروپانصدمین سالگرد میلاد ایشان، پرسش اصلی این نیست که پیامبر در گذشته چه کرد؛ پرسش این است که ما با آنچه او آغاز کرد چه کرده‌ایم؟ آیا از نبوت تنها خاطره‌ای مقدس ساخته‌ایم یا هنوز آن را نیرویی زنده برای اصلاح جهان می‌دانیم؟ جهان اسلام امروز، بیش از آن‌که از فقدان شعار رنج ببرد، از فقدان افق رنج می‌برد. ملت‌ها و دولت‌های مسلمان در ذهنیت‌هایی پراکنده زندگی می‌کنند. جنگ، بی‌اعتمادی، رقابت‌های فرساینده، شکاف‌های اجتماعی و فرقه‌ای و انبوهی از زخم‌های درمان‌نشده، چنان بر پیکر این جهان نشسته است که گاه حتی سخن گفتن از وحدت نیز به تکرار تشریفاتی بدل می‌شود. در چنین روزگاری، بازگشت به پیامبر (ص) نباید بازگشت به یک تصویر نوستالژیک باشد؛ باید بازگشت به منطق عمل او باشد.

شروع مسیر حکمرانی پیامبر (ص)، پیش از آن‌که آغاز فتح سرزمین‌ها باشد، آغاز آزادکردن انسان از بندگی‌های ناروا بود. بت، تنها تندیسی سنگی در گوشه‌ای از حجاز نبود؛ هر قدرتی که انسان را از دیدن حقیقت بازدارد، هر عصبیتی که دیگری را از دایره انسانیت بیرون براند و هر تظمی که عدالت را قربانی منفعت کند، صورتی از بت‌پرستی است.

پیامبر (ص) آمد تا انسان را از این وسوسه‌دیرپا که خود را معیار حق بداند و دیگران را شایسته حذف، نجات دهد. او در جامعه‌ای که نسب، قبیله و ثروت معیار منزلت بود، کرامت را به انسان بازگرداند. ارزش انسان را نه به خون او، نه به قدرت او و نه به دارایی او، بلکه به حقیقت وجود و مسئولیت اخلاقی اش پیوند زد.

این مسیر هنوز ناتمام است؛ زیرا انسان معاصر، با همه پیشرفت‌های علمی و فناوریانه، همچنان در معرض همان بیماری‌های کهن قرار دارد. صورت بت‌ها تغییر کرده است، اما بت‌پرستی پایان نیافته. امروز ممکن است بت در هیبت قدرت، قومیت، منفعت ملی، تعصب مذهبی، شهرت، رسانه یا حتی تصویری مقدس از خویششن جمعی ظاهر شود. جامعه‌ای که به نام حقیقت، دروغ می‌گوید، به نام عدالت، انتقام می‌گیرد و به نام وحدت، تفاوت‌ها را سرکوب می‌کند، هنوز از روح بعثت فاصله دارد.

رسالت نبوی، مسیر ساختن انسانی بود که بتواند در اوج تعلیق، اسیر تعصب نشود. در اوج قدرت، از عدالت دور نگردد و در اوج اختلاف راه گفت‌وگو را نبیند. از این منظر، هزاروپانصدمین سالگرد میلاد پیامبر (ص) را جشن می‌گیریم، اما این پایان یک راه نیست، بلکه یادآور مسئولیت ما در برابر راهی است که هنوز ادامه دارد. اما ادامه دادن این مسیر در زمانه التهاپ، بی‌محاسبه ممکن نیست. جهان زخمی امروز، بیش از هر چیز به خردی نیاز دارد که بتواند میان اصول و روش‌ها تمایز بگذارد؛ خردی که بداند حفظ حقیقت، همیشه به معنای اصرار بر یک شیوه نیست. صلح حدیبیه را می‌توان یکی از عمیق‌ترین درس‌های پیامبر (ص) درباره نسبت اخلاق و سیاست دانست. پیامبر (ص) در موقعیتی که بسیاری از منتظران و یارانی داشتند راه مصالحه را برگزید. پیمانی بسته شد که در نگاه اول، برای برخی از یاران ایشان نابرابر و حتی تلخ بود؛ اما پیامبر (ص) در ورای هیجان لحظه، افق آینده را می‌دیدند. حدیبیه، ستایش عقب‌نشینی از اصول نیست؛ تمایز نهادن میان اصل و شکل است. اصل، حفظ کرامت، امنیت و امکان هدایت است؛ شکل، می‌تواند در شرایط مختلف تغییر کند. این سخن به معنای فراموش کردن تهدید یا نادیده گرفتن اجرای عدالت نیست؛ به معنای آن است که دفاع از حق نباید به نابودی امکان تهاجم بینجامد. ملتی که از جنگ عبور کرده، باید بداند زمان صیانت از عزت، همزمان، زمان ترمیم دل‌ها و قوای نیروهاست.

اما مصالحه اگر صرفاً توافقی موقت میان صاحبان قدرت باشد، به صلیحی کشنده بدل خواهد شد. صلح هنگامی ماندگار می‌شود که به نظم اجتماعی، قرارداد اخلاقی و مشارکت همگانی تبدیل شود. پیامبر (ص) پس از ورود به مدینه با جامعه‌ای یکپارچه و بی‌اختلاف روبه‌رو نبود. مدینه، مجموعه‌ای از گروه‌ها، خاطرات خصومت، منافع متعارض و هویت‌های گوناگون بود. مسأله فقط پایان دادن به جنگ نبود؛ مسأله این بود که چگونه می‌توان پس از جنگ، جامعه‌ای ساخت که دوباره به بحران بازنگردد.

ميثاق مدینه، در این معنا، سندی برای تبدیل همسایگی به هم‌سرنوشتی است. پیامبر (ص) کوشید گروه‌های گوناگون را در چارچوبی از مسئولیت مشترک، امنیت متقابل و تعهد به نظم عمومی گرد آورد. ارزش این ميثاق در آن است که نشان می‌دهد وحدت، الزاماً یکسان‌سازی نیست. جامعه می‌تواند متکثر باشد و در عین جنگ عبور کرده، بر سر اصولی بنیادین (امنیت، عدالت، وفاداری به پیمان و دفاع از خیر عمومی) به توافق برسد.

این پیام برای امروز جهان اسلام بسیار روشن است. وحدت اسلامی، اگر تنها به هم‌شکلی ظاهری یا تکرار شعارها تقلیل یابد از درون تهی خواهد شد. وحدت واقعی، پذیرش تکرر درون یک افق مشترک است. کشورهای مسلمان می‌توانند در سیاست خارجی، اقتصاد، فرهنگ و شیوه حکمرانی تفاوت‌هایی جدی داشته باشند؛ اما این تفاوت‌ها نباید آنان را از گفت‌وگو، همکاری و مسئولیت مشترک در برابر رنج انسان مسلمان و انسان مظلوم بازدارد. ميثاق مدینه به ما یادآوری می‌کند که صلح، فقدان جنگ نیست؛ حضور عدالت، اعتماد و قواعد مشترک است. ميثاق مدینه را باید نه فقط الگویی تاریخی، بلکه فلسفه‌ای برای بازسازی دانست. بازسازی رابطه دولت و ملت، بازسازی اعتماد میان گروه‌های اجتماعی، بازسازی پیوند کشورهای مسلمان و بازسازی معنای امت اسلام در جهانی که به وسیله مرزها، منافع و بحران‌ها به هم گره خورده‌اند.

هزاروپانصد سال پس از میلاد پیامبر (ص)، جهان هنوز در انتظار تحقق کامل آن وعده اخلاقی است که ایشان با زندگی خویش آشکار کرد؛ اینکه می‌توان قدرت را با رحمت، سیاست را با اخلاق، تفاوت را با همزیستی و پیروزی را با کرامت انسانی جمع کرد. پیامبر (ص) از میان ما رفته است، چراکه هنوز ادامه مسیر ایشان در دست ماست. هر گام در راه وحدت امت اسلامی گامی در همان مسیری است که ایشان تأسیس کردند. واقعیت این است، میلاد پیامبر (ص) زمانی تکرار می‌شود که هر نسل آن را دوباره محقق کند. شاید بزرگ‌ترین ادای احترام به ایشان در هزاروپانصدمین سالگرد میلادشان این باشد که در زمانه گسست، پیمانی تازه برای همزیستی ببندیم و در زمانه فراموشی، به یاد آوریم که رسالت پیامبر (ص)، هنوز به پایان نرسیده است.

صورت و حقیقت محمدی

خوانش عرفانی و تفسیری آیه **إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ**



محمد رضا موحدی
عضو هیأت علمی گروه ادبیات دانشگاه قم

آیه پایانی سوره «کهف»، یعنی عبارت «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ»، از بنیادی‌ترین بیانات قرآنی درباره حقیقت وجودی پیامبر اکرم(ص) است. این آیه با جمع میان دو محور اساسی، یعنی بشریت پیامبر و ویژگی اختصاصی وحی، زمینه‌ای گسترده برای تأملات عرفانی، روایی، ادبی و کلامی فراهم آورده است. عارفان این آیه را از منظر «حقیقت محمدیه»، «مرآتیت پیامبر» و «تجلی اسماء الهی» تفسیر کرده‌اند و کوشیده‌اند میان ظاهر بشری پیامبر و باطن نورانی و قدسی او جمع کنند؛ در مقابل، مفسران روایی و ادبی بیشتر بر ابعاد تربیتی و اخلاقی آیه، بویژه اخلاص، ترک ریا و پرهیز از شرک خفی، تأکید کرده‌اند.

دیدگاه عارفان درباره بشریت پیامبر

در تفاسیر عرفانی، بشریت پیامبر به معنای نقص یا فروکاستن مقام او نیست؛ بلکه صورت انسانی او ظرف ظهور حقیقتی متعالی و نورانی است. روزبهان بقلی در «عرایس‌البیان» بر این باور است که خداوند پیامبر(ص) را به «انوار ربوبیت» آراسته و حقیقت وجودی او را «مرآة الحق» ساخته است. از این منظر، پیامبر در مقام ظاهر بشر است، اما در حقیقت، محل اشراق انوار الهی و مظهر صفات حق است. اعلام بشریت پیامبر برای آن است که مردم در برابر عظمت نورانی او دچار غلو نشوند و مقام بندگی او را با مقام الوهیت خلط نکنند (عرایس‌البیان، ذیل آیه). روزبهان همچنین «رجاء لقاء الله» را در گرو خالی شدن انسان از خود می‌داند؛ به‌گونه‌ای که انسان در عمل خویش سهمی برای غیر خدا قائل نباشد. در این نگاه، «بندگی» عبارت است از محو اراده عبد در اراده حق و همین معنا نقش بنیادین اخلاص را در سلوک روشن می‌کند.

ابوالقاسم قشیری در «لطائف‌الاشارات» میان «صورت» و «حقیقت» پیامبر تفکیک می‌کند. پیامبر از حیث تأکید می‌شاهد حق و طبیعت ظاهری مانند دیگر انسان‌هاست، اما حقیقت او به سبب اصطفا‌ی الهی، وحی، قرب و طهارت باطنی از دیگران ممتاز است. قشیری «رجاء لقاء الله» را نه صرفاً امید به بهشت، بلکه اشتیاق به مشاهده حق می‌داند و تحقق آن را وابسته به اخلاص کامل می‌شمارد. از دیدگاه او، «عارف به عمل خود نمی‌نگرد»؛ زیرا لذت‌بردن از عمل می‌تواند مشارکت نفس در عبادت و نوعی شرک خفی باشد (لطائف‌الاشارات، ذیل آیه).

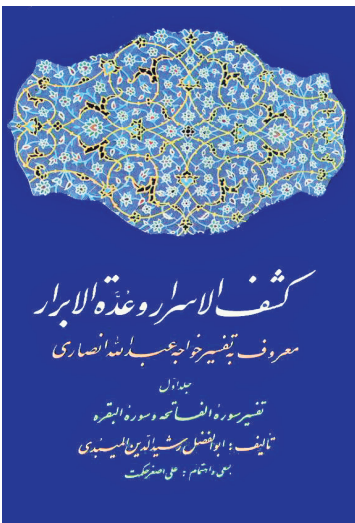
رشیدالدین میبیدی در «کشف‌الاسرار و عده‌الابرار» بیشتر بر جنبه اخلاقی آیه تأکید دارد. او با نقل حکایات متعدد، شرح‌ریا و خودنمایی را آشکار می‌کند و ریا را «کمترین شرک» می‌داند. یکی از تعابیر مهم او این است: «رضا بر عمل خود شرک است». بدین معنا که اگر انسان هنگام عبادت به به خویشتن و ارزش عمل خود توجه کند، نفس خویش را در عبادت با خدا شریک کرده‌است. از همین رو، عارف کسی است که عمل را ببیند و در همان لحظه آن را محو کند؛ زیرا بقای عمل در دل، می‌تواند نشانه بقای نفس باشد (کشف‌الاسرار، ذیل آیه). از «روح‌البیان» نیز آیه از سطح بیان صرف بشریت پیامبر فراتر می‌رود و به حقیقت انسان کامل و مظهر اسماء و صفات الهی اشاره می‌کند. پیامبر در صورت طبیعی با مردم مشترک است، اما حقیقت او به سبب وحی و رسالت از مرتبه دیگر انسان‌ها فراتر می‌رود. در تأویلات نجمیه نیز همه بنی‌آدم از حیث بشریت برابرند؛ پیامبر ولی، مؤمن و حتی کافر در اصل انسانیت مشترک‌اند، اما تفاوت آنان در ایمان، ولایت، نبوت، وحی و معرفت است. پیامبر در عالی‌ترین مرتبه این کمالات قرار دارد.

در نگاه «روح‌البیان»، «لقاء الله» نیز وصول به قرب معنوی و حضور باطنی است و با امید و عمل صالح خالصانه تحقق می‌یابد. ذالنون عمل صالح را عملی می‌داند که از ریا پاک باشد و ابوعبدالله قرشی آن را عملی می‌شمارد که نفس در آن نقشی نداشته باشد و حتی قصد ثواب نیز در آن دخالت نکند. در تأویلات نجمیه، ظاهر عمل صالح پیروی از سنت پیامبر و باطن آن «تبتل» و بریدن دل از غیر خداست. تعبیر شاعرانه‌ای که از مولانا در این باب می‌توان سراغ گرفت، این است:

مگر من صورت عشق حقیقی / بدیدم خواب، کورامی‌پرستم
 حبس‌ای عشق کاندز تن چو جانی / به اقبال، ز حبس تن پرستم
 مرا گفتی بدر پرده دریدم / مرا گفتی قدح بشکن، شکستم
 مرا گفتی ببر از جمله یاران / بکندم از همه دل در تو بستم
 مرا دل خسته کردی، جرمم این بود / که از مرگان خیالت را بچستم
 شیخ اسماعیل حقی، در تفسیر «روح‌البیان» ریا را «شرک اصغر» می‌نامد و تأکید می‌کند که عملی که برای جلب توجه مردم انجام شود، پذیرفته نیست. پیامبر(ص) نیز فرموده است: «خداوند عملی را که برای غیر او انجام شود قبول نمی‌کند.» از این منظر، آیه بر توحید خالص، اخلاص در عمل، تبتل، نفی ریا و شناخت حقیقت انسانی پیامبر به‌عنوان پلی میان بشر و شهود توحیدی دلالت دارد. در مجموع، تفاسیر عرفانی میان «صورت ظاهری» و «حقیقت باطنی» پیامبر تمایز



عرائس‌البیان اثر روزبهان بقلی



کشف‌الاسرار و عده‌الابرار اثر رشیدالدین میبیدی

می‌گذارند. بشریت در این نگاه نقص نیست، بلکه ظرف تجلی حقیقت محمدیه است؛ پیامبر «آینه جمال حق» است و وحی امتیاز اصلی اوست. عمل صالح نیز تنها با اخلاص معنا می‌یابد و غایت آن «لقاء الله» است.

دیدگاه‌های روایی، ادبی و اجتهادی

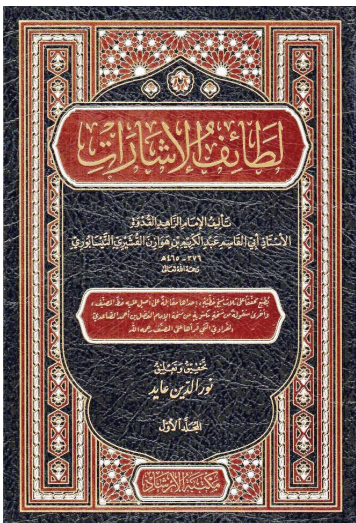
در تفاسیر روایی و اجتهادی، اگرچه اصل بشریت پیامبر پذیرفته شده، تأکید اصلی بر نفی غلو، امکان اقتدا، اخلاق عملی و اخلاص است. فضل بن حسن طبرسی در «مجمع‌البیان» بشریت پیامبر را ناظر به نفی غلو می‌داند. از نظراو، آیه در برابر کسانی است که پیامبر را به مرتبه الوهیت نزدیک می‌کردند یا برای او قدرت مستقل از خدا قائل بودند. بشریت پیامبر، در عین آنکه امکان اقتدا به او را فراهم می‌کند، با امتیاز وحی همراه است؛ وحی امری اکتسابی نیست، بلکه به انتخاب و اصطفا‌ی الهی بستگی دارد. طبرسی همچنین «ال یشرک بعبادة ربه أحد» را با پرهیز از ریا و شرک خفی پیوند می‌دهد و حدیث «أخوف ما أخاف علیکم الشکر الخفی» را نقل می‌کند که در آن شرک خفی به ریا تفسیر شده است (مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۴۱۵).

فیض کاشانی نیز در «تفسیر الصافی»، بشریت پیامبر را نشانه نزدیکی او به انسان‌ها و اشتراک در زندگی انسانی، درد، شادی، مسئولیت و صبر در برابر دشواری‌ها می‌داند. از امام رضا(ع) نیز نقل شده است که «لا یشرک بعبادة ربه أحد» بر ترک ریا و خالص‌داشتن نیت برای خدا دلالت دارد. بنابراین، بشریت پیامبر شرط امکان اطاعت و اقتدا به اوست (تفسیر الصافی، ذیل آیه). «انوار درخشان» با رویکردی فلسفی- اجتماعی، پیامبر را بشری تابع قوانین طبیعی، دارای نیازهای جسمانی و در معرض بیماری، گرسنگی، خستگی و رنج می‌داند. هدف از تصریح به بشریت، جلوگیری از افراط در درخواست‌های معجزه‌آسا و نسبت‌دادن قدرت مستقل فوق بشری به پیامبر است. امتیاز واقعی او «وحی» است، نه طبیعت جسمانی (انوار درخشان، ج ۳). در «روان جاوید» نیز بشریت پیامبر یک درس تربیتی برای امت است؛ زیرا نشان می‌دهد راه کمال از دل زندگی انسانی می‌گذرد. در این تفسیر، ریا مهم‌ترین مانع لقاءالله است و عبادتی که نیت خالص نداشته باشد، اگرچه در ظاهر کامل باشد، در باطن بی‌ارزش و آسیب‌زااست (روان جاوید، ذیل آیه).

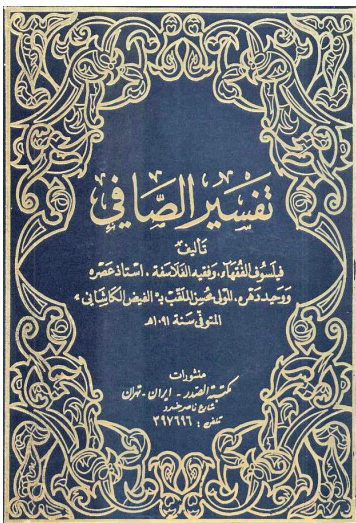
اخلاص، شرک خفی و عمل صالح

وجه مشترک بخش بزرگی از تفاسیر عرفانی، روایی و اخلاقی آن است که عمل صالح تنها به صورت ظاهری عبادت وابسته نیست، بلکه کیفیت نیت و خلوص دل شرط اساسی آن است. میبیدی عمل صالح را عملی می‌داند که «از خود و از خلق خالی باشد». روح‌البیان نیز تأکید می‌کند که عمل صالح، بریدن از دنیا و پیوستن به حق است و هر عملی که انسان را از توجه به خدا دور کند، حتی اگر در ظاهر عبادت باشد، صالح نیست. (کشف‌الاسرار، ذیل آیه؛ روح‌البیان، ج ۴، ص ۱۲۳).

در این میان، «شرک خفی» مهم‌ترین آفت دینداری معرفی شده است. حدیث نبوی «أخوف ما أخاف علیکم الشکر الخفی» و توضیح «الریاء» نشان می‌دهد که خطر اصلی همیشه شرک آشکار نیست؛ گاه توجه اندک انسان به غیر خدا در متن عبادت، آن را از حقیقت توحیدی تهی می‌کند (مجمع‌البیان،



لطائف‌الاشارات اثر ابوالقاسم قشیری



تفسیرالصافی اثر محمدحسن فیض کاشانی

ج ۵؛ تفسیرصافی). از همین رو، اخلاص روح عبادت است. «کشف‌الاسرار» عبادت بی‌اخلاص را همچون بدن بی‌جان می‌داند و «روح‌البیان» تأکید می‌کند اگر عبادت به غیر خدا آلوده شود، دیگر عمل صالح نیست.

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد میان دیدگاه‌های عرفانی، روایی و اخلاقی درباره بشریت پیامبر، اختلاف بنیادی وجود ندارد؛ تفاوت بیشتر در زبان تفسیر و زاویه تأمل است. همه این تفاسیر بر آنند که پیامبر(ص) از حیث ظاهر و زندگی انسانی با مردم مشترک است، اما به‌واسطه وحی و رسالت از آنان ممتاز می‌شود. عرفا این تمایز را با ماهیعی چون «مرآة الحق»، «مظهر اسماء الهی» و «مظهر وحدت» بیان می‌کنند.

اعلام بشریت نیز در هر دو رویکرد، کارکردی اساسی دارد: در تفاسیر روایی و کلامی، برای نفی غلو و اصلاح نگاه مردم و در تفاسیر عرفانی، برای آنکه حقیقت ربانی پیامبر در پس صورت بشری قابل فهم شود. بنابراین، بشریت پیامبر نه مانع عظمت او، بلکه شرط انسان‌بودن او برای انسان‌هاست. «عمل صالح» نیز سه لایه دارد: اول، لایه فقهی- اخلاقی، یعنی انجام واجبات و ترک محرمات همراه با نیت پاک؛ دوم، لایه تربیتی، معنوی، یعنی رهایی از خودبینی و نزدیک‌شدن به خدا؛ و سوم، لایه عرفانی، یعنی بریدن دل از ماسوی‌الله، محو خود در اراده حق و انجام عمل بدون دین و خویشتن.

در نهایت، «شرک خفی» تهدید مشترک همه این دیدگاه‌ها و «لقاءالله» غایت مشترک سلوک، عبادت و معرفت است. عارفان لقاءالله را مشاهده قلبی و حضور باطنی حق می‌دانند و مفسران روایی بیشتر آن را امید به رحمت و سعادت ابدی تفسیر می‌کنند؛ اما هر دو گروه در یک اصل مشترک‌اند: لقاءالله بدون اخلاص و پاک‌ی نیت تحقق نمی‌یابد.

براین اساس، مقاله به این نتیجه می‌رسد که بشریت پیامبر(ص) نه نشانه‌ای از کاستی، بلکه شرط الگو بودن اوست؛ امتیاز او در وحی است؛ اعلام بشریت وسیله‌ای برای نفی غلو و اصلاح نگاه مردم است؛ عمل صالح بدون اخلاص ارزش ندارد؛ شرک خفی، ریا، عجب و خودبینی بزرگ‌ترین آفات عبادت‌اند؛ و لقاءالله غایت انسان خالص و متقی است. از این منظر، آیه پایانی سوره کهف را می‌توان «مانیفست جامع سلوک اسلامی» دانست؛ زیرا در آن، تواضع پیامبر، حقیقت وحی، دعوت به عمل صالح و هشدار نسبت به شرک خفی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و همه دیدگاه‌های عرفانی، روایی، ادبی و اخلاقی در نهایت به یک حقیقت بازمی‌گردند: عبودیت خالص و توحید عملی.

منابع:

- روزبهان بقلی، عرایس‌البیان
- ابوالقاسم قشیری، لطائف‌الاشارات
- ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، کشف‌الاسرار و عده‌الابرار
- اسماعیل الجربوسی، روح‌البیان، ج ۲
- فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۴۱۵
- محمدحسن فیض کاشانی، تفسیرالصافی
- سیدمحمد حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۳
- میرزا محمد تقی تهرانی، روان جاوید، ذیل آیه پایانی سوره کهف

از تحقیق تا تأویل

نگاهی به تعدادی از کتاب‌های عربی

درباره شخصیت و سیره پیامبر اکرم(ص)

دارد که پلی بزند به آن دسته از باورهای و سلم، بازنگری در آن چه در سالیان اخیر به زبان عربی درباره شخصیت، سیره، شماتل و اخلاق ایشان نگاشته شده، وظیفه‌ای است فراتر از یک کار کتاب‌شناختی

صرف پژوهش‌های عربی درباره سیره نبوی، همچنان بخش عمده‌ای از تولید علمی جهان اسلام در این حوزه را رقم می‌زند؛ سنتی پژوهشی که از تحقیق و تحشیه بر متون کلاسیک آغاز می‌شود، به بازخوانی‌های تأملی و تربیتی معاصر می‌رسد و در موسوعه‌های حدیثی و فقهی چندجلدی به اوج می‌رسد. آن چه در این گزارش گرد آمده، طیفی گسترده از تک‌نگاری‌های تحلیلی، موسوعه‌های حدیثی، شروح شماتل، و آثار فقهی- استنباطی را در بر می‌گیرد که هر یک، با منتهی متفاوت، به بُعدی از ابعاد انسانی، اخلاقی، حکمی یا تاریخی شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پرداخته‌اند؛ تنوعی که گواه زنده بودن این سنت پژوهشی و ناتمام بودن طرح‌واره شناخت سیره نبوی نزد اهل علم است.

با این همه، پژوهشگر فارسی‌زبان، به‌رغم بهره‌مندی از سنتی غنی در حوزه سیره‌نگاری فارسی، از دسترسی به این حجم گسترده از تولیدات عربی، عمدتاً به سبب فاصله زبانی، محروم مانده است؛ محرومیتی که ریشه در غفلت از منابع در دست‌رس دارد و پیش از هر چیز از فقدان پیوندی میان دو سنت زبانی علمی حکایت می‌کند. آشنایی با این تراژ، ضرورتی چند لایه دارد: (۱) آگاهی از منتهج‌های متنوعی که معاصران عرب برای بازخوانی سیره به‌کار برده‌اند و میان تاریخ‌نگاری کلاسیک، تأمل معنوی، تحلیل تربیتی و استنباط فقهی در نوسان‌اند؛ (۲) فراهم‌آوردن بستری برای تعامل علمی میان سنت سیره‌پژوهی ایرانی-شعاعی و سنت عربی-اهل سنتی؛ این تعامل در بسیاری از موارد-چنان‌که در اثر سیداحمد احمدعلی درباره احادیث مشترک شماتل میان سنت و امامیه می‌بینیم-هم‌انکون در پژوهش‌های عربی آغاز شده است؛

(۳) بازشناسی ژانرهای متمایزی همچون دلائل‌النبوة، شماتل‌نگاری و فقه‌المغازی در سنت تألیفی فارسی-کمنتر به‌طور مستقل بازنامی شده‌اند و شناخت آنها می‌تواند ایده‌های جدیدی برای پژوهش در باب سیره و ستّ پیام‌بر اکرم(ص) بسازد.
تک‌نگاری‌های موضوعی و تحلیلی درباره سیره نبوی
الأبعاد الإنسانية والحضاریة فی شخصیة النبی: تألیف علی محمّد
محمّد الصّلابی؛
انتشارات دار الأمّالة. - این اثر تلاشی اصیل برای بازخوانی سیره نبوی است که روایتی صرفاً تاریخی از آن به دست نمی‌دهد؛ الضلابی سیره نبی را «الکوارره انسانی جامع» می‌داند که ابعاد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شخصیت پیامبر را در هم می‌تند. منتهج نویسنده توصیفی تحلیلی است که تحقیق تاریخی را با اصالت‌های انسانی و هنجارهای اخلاقی درهم می‌آمیزد؛ به این صورت که رخدا‌های سیره را صرفاً گزارش نمی‌کند؛ فراتر از آن، با رویکردی مقاصدی-اسبقاربی معانی کلان را از جزئیات استخراج و به زمینه سیاسی-اجتماعی-اقتصادی رخدا‌ها پیوند می‌زند.
خواطر و تأملات فی السیره النبویه الشریفه؛
تألیف دکتر محمود محمد عمارة؛
انتشارات المجلس الأعلى للشتون الإسلامية.
اثری است در حوزه بازخوانی تأملی سیره پیامبر اسلام؛ نویسنده در این کتاب در پی پژوهشی تاریخی درباره حوادث سیره با نقد منابع آن نیست؛ محور اصلی اثر، تأمل در دلالت‌های ایمانی، اخلاقی و تربیتی رخدا‌های سیره و نشان دادن ظرفیت آنها برای مخاطب امروز است. از همین رو، کتاب پیش از آن‌که در سنت مطالعات دانشگاهی سیره جای گیرد، به ادبیات تأملات دینی و معنوی تعلّق دارد. ساختار اثر بر مجموعه‌ای از درنگ‌ها و برداشت‌های نویسنده از فرآ‌های زندگی پیام‌بر اکرم استوار است. زبان آن روان و پیاپی است و بنا دارد که میان روایت سیره و تجربه زیسته خواننده پیوند برقرار کند. مخاطب کتاب نیز بیش از آن‌که پژوهشگر تاریخ اسلام باشد، عموم خوانندگان علاقه‌مند به سیره نبوی‌اند.

التربية والتعلیم فی سیره الرسول محمد(ص)؛
تألیف مصطفی نمر دعسم.
این اثر در سال ۲۰۲۵ به صورت الکترونیکی

نشر یافته و پس از معناشناسی سیره، از روش سیره‌پژوهی سخن به میان آورده و درص‌است که جهان‌شمول بودن سیره نبوی را به‌عنوان الگوی اخلاقی همگانی به اثبات برساند. با نظر به این هدف، از نئی تصویر یک مرتبی اخلاقی و معلّم تعلیم و تربیت ارائه داده تا وظیفه‌های تربیتی را از چهارچوب سیره استخراج کند. نگارنده معتقد است که بخش مهمی از اهداف تربیتی پیام‌بر به حوزه اعتقادات اختصاص داشته است و با ذکر این پیش فرض، قصد

تقریب السیره النبویه واستنباط ما فیها من العبر والدروس؛
تألیف أحمد بن ناصر الطیار؛
انتشارات مكتبة دارالحجاز.
این کتاب بازخوانی و بازسازی معاصره از «البدایة والنهایة» ابن کثیر است؛ نویسنده معتقد است «سیره ابن کثیر، نگارنده مستقلی ندارد و چندمؤلف‌بودن و گستردگی ابواب، آن را برای انسان امروزی که مهارت بهره‌گیری از موسوعه‌ها را نیاموخته است، ناکارآمد می‌سازد.» در سیره ابن کثیر یک واقعه با اسانید و روایت‌های متعدد بیان شده است که تعدد در اسناد و تکرّر در نقل، آن را برای فرد غیرمتخصص در سیره، دشوار می‌سازد. همچنین، چون متنی مرجع بوده است، روایت را به تفصیل با جزئیات ذکر می‌کند؛ تفصیلی که برای پژوهش به‌کار می‌آید؛ اما سیرمراجعه به آن را برای مخاطب غیرحرفه‌ای مسدود می‌سازد. به همین سبب، سیره ابن کثیر را مختصر ساخته و در مواردی که ضرورت می‌دیده به سایر کتاب‌های مرتبط با سیره مراجعه کرده است.

موسوعة محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم الوقیة؛
تألیف أحمد بن عثمان المزیّد (استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه ملک سعود)
است که در شش مجلد توسط دار الوطن للنشر در ریاض منتشر شده (طبع اول، ۱۴۳۸ق/۲۰۱۷م). این مجموعه نخستین موسوعه‌ای که شش دانش گوناگون از دانش‌های سیره نبوی را در قالب تلخیص هشت اثر برگزیده از میراث علمای سلف گردآورده است. روش مؤلف اختصار، حذف روایات ضعیف و مادون آن، حذف استطرادات، و حفظ بارت و ترتیب اصل مصتّف بوده تا سیره نبوی برای آموزش و اقتدا در عقیده و عبادت و معاملات و اخلاق در دست‌رس خواننده قرار گیرد. ساختار کلی موسوعه چنین است: نخست تلخیص «دلائل النبوة» (ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰ق)، سپس تلخیص «السیره النبویه» ابن هشام (متوفای ۲۱۸ق)، آنگاه تلخیص «غایة الشؤل فی خصائص الرسول» ابن الملقن (متوفای ۸۰۴ق)، پس از آن تلخیص شماتل

النبي ترمذی (متوفای ۲۷۹ق)، و در ادامه اثری مستقل از عثمان مزید (نگارنده کتاب) با عنوان «محمد الله و الحقوق والقیمة والأخلاق وعلاج مشكلات العالم المعاصر» بدین ترتیب، موسوعه به‌طور هم‌زمان دلائل نبوت، سیره، خصائص، و شماتل پیامبر اکرم را در بر می‌گیرد.

بازخوانی معاصره متون مرتبط با سیره

تقریب السیره النبویه

استنباط ما فیها من العبر والدروس؛

تألیف أحمد بن ناصر الطیار؛

انتشارات مكتبة دارالحجاز.

این کتاب بازخوانی و بازسازی معاصره از «البدایة والنهایة»

ابن کثیر است؛ نویسنده معتقد است

«سیره ابن کثیر، نگارنده مستقلی ندارد و

چندمؤلف‌بودن و گستردگی ابواب، آن را

برای انسان امروزی که مهارت بهره‌گیری

از موسوعه‌ها را نیاموخته است، ناکارآمد

می‌سازد.» در سیره ابن کثیر یک واقعه

با اسانید و روایت‌های متعدد بیان شده

است که تعدد در اسناد و تکرّر در نقل، آن

را برای فرد غیرمتخصص در سیره، دشوار

می‌سازد. همچنین، چون متنی مرجع

بوده است، روایت را به تفصیل با جزئیات

ذکر می‌کند؛ تفصیلی که برای پژوهش

به‌کار می‌آید؛ اما سیرمراجعه به آن را برای

مخاطب غیرحرفه‌ای مسدود می‌سازد.

به همین سبب، سیره ابن کثیر را مختصر

ساخته و در مواردی که ضرورت می‌دیده به

سایر کتاب‌های مرتبط با سیره مراجعه کرده

است.

موسوعة محمد رسول الله صلی الله علیه

وسلم الوقیة؛ تألیف أحمد بن عثمان

المزیّد (استاد مطالعات اسلامی در دانشگاه

ملک سعود) است که در شش مجلد

توسط دار الوطن للنشر در ریاض منتشر

شده (طبع اول، ۱۴۳۸ق/۲۰۱۷م). این

مجموعه نخستین موسوعه‌ای که شش

دانش گوناگون از دانش‌های سیره نبوی

را در قالب تلخیص هشت اثر برگزیده از

میراث علمای سلف گردآورده است. روش

مؤلف اختصار، حذف روایات ضعیف و

مادون آن، حذف استطرادات، و حفظ

بارت و ترتیب اصل مصتّف بوده تا سیره

نبوی برای آموزش و اقتدا در عقیده و

عبادت و معاملات و اخلاق در دست‌رس

خواننده قرار گیرد. ساختار کلی موسوعه

چنین است: نخست تلخیص «دلائل

النبوة» (ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰ق)،

سپس تلخیص «السیره النبویه» ابن هشام

(متوفای ۲۱۸ق)، آنگاه تلخیص «غایة

الشؤل فی خصائص الرسول» ابن الملقن

(متوفای ۸۰۴ق)، پس از آن تلخیص شماتل

النبي ترمذی (متوفای ۲۷۹ق)، و در ادامه

اثری مستقل از عثمان مزید (نگارنده

کتاب) با عنوان «محمد الله و الحقوق

والقیمة والأخلاق وعلاج مشكلات العالم

المعاصر» بدین ترتیب، موسوعه به‌طور

هم‌زمان دلائل نبوت، سیره، خصائص، و

شماتل پیامبر اکرم را در بر می‌گیرد.



کاشی پنلی نمایانگر مسجدالحرام شهر مکه

النبي ترمذی (متوفای ۲۷۹ق)، و در ادامه اثری مستقل از عثمان مزید (نگارنده کتاب) با عنوان «محمد الله و الحقوق والقیمة والأخلاق وعلاج مشكلات العالم المعاصر» بدین ترتیب، موسوعه به‌طور هم‌زمان دلائل نبوت، سیره، خصائص، و شماتل پیامبر اکرم را در بر می‌گیرد.

بازخوانی حدیثی و گردآوری‌های موسوعه محور روایی

الجامع الهی

لدعوات النبی؛

تألیف علی

الأندرسانی

الخوارزمی؛انتشارات دار الکتب العلمیة.

این کتاب که برای

اول بار تحقیق و

تصحیح شده و

متنّلق به قرن ۱۴ق است؛ آن را باید متنی

در حوزه دعاپژوهی دانست. نگارنده که

خود حدیث شناسی برجسته است، با نظر

به متون کلاسیکی که ده‌های پیام‌برانه را

گزارش داده است؛ یعنی با تکیه بر محتاج

و مستندهای معتبر نزد اهل سنت، اقوال

دعاگونه پیام‌بر را گردآوری می‌کند و آنها

را دسته‌بندی ۱۶۰ باب می‌کنجد. تعداد

ده‌های گردآورده‌شده، ۱۵۳۰ عدد است.

موسوعة العلّامة المحدث المتفتّن

سیدی الشریف عبدالله بن محمد بن

الصّدیق الغماری الحسینی؛ که با مقدمه

شریف دکتر عبدالمنعم بن عبدالعزیز

الصّدیق و زیر نظارت دکتر محمود سعید

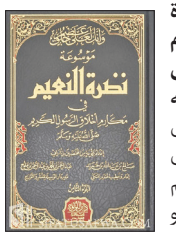
ممدوح توسط دار السلام در قاهره منتشر

شده است. مجموعه‌ای چندجلدی از



که سال با تزیینات نقاشی شده زیر لعاب شفاف، ساخت ایزنقر (ترکیه)، قرن ۱۸/ واقع در دیارتان هنر اسلامی موزه لور

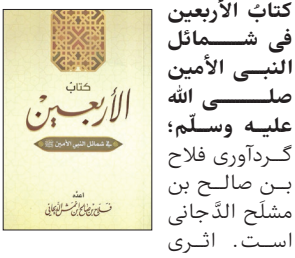
۶۲۹ معجزه صحیح منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم است، که هم معجزات دوران حیات و هم آنچه پس از وفات ایشان و در طول سده‌ها و در روزگار ما رخ داده و نیز آنچه در آخرالزمان به وقوع خواهد پیوست را در بر می‌گیرد، همراه با تعلیقاتی از علمای امت؛ از این رو این کتاب در چهارچوب سیره یا اخلاق نبوی یا شمائل نمی‌گنجد؛ آن را باید در قلمرو «دلائل النبوة و معجزات» جای داد؛ زائری که به گردآوری شواهد خارق‌العاده نبی، با تکیه بر صحت سندی، می‌پردازد.



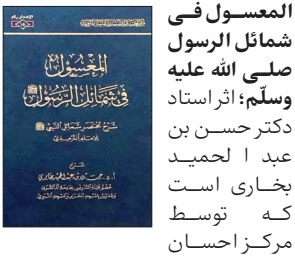
موسوعة نضبة
التعظیم فی مکارم
أخلاق الرسول
الکريم صلی الله
علیه وسلم؛ اثری
دوازده جلدی
است که به قلم
پژوهشگر و
صاحب‌نظر اخلاق
اسلامی، زیر نظارت صالح بن عبدالله
بن خفید، تألیف و توسط دار الوسیله
للنشر والتوزیع در حده به چاپ رسیده.
محتوای جلد نخست شامل مقدّماتی
درباره زندگی ابتلا و نفس انسانی و
مفهوم و مجالات و حکمت ابتلاست،
و در ادامه، جلد‌های دوم تا هشتم
به بیان دویست خلق نیکو و جلد‌های
نهم تا یازدهم به صد و شصت و یک خلق
ناپسند اختصاص یافته، بدین‌سان که
برای هر خلق، تعریف لغوی و شرعی،
آیات قرآنی مرتبط، احادیث نبوی، شواهد
عملی سیره نبوی در تحقق آن خلق و
سخنان سلف و علمای بزرگ ذکر می‌شود؛
جلد دوازدهم نیز به فهرس اختصاص
دارد.

الأحادیث المشتركة فی شمائل النبی
صلي الله علیه وسلم بين السنة والإمامية؛
تألیف دکتر سید احمد احمد علی
(پژوهش‌گر مرکز البحوث والدراسات
بالمبرة) است، اثری که به‌عنوان جلد پنجم
از سلسله‌ای موسوم به «سلسلة الاحادیث
المشتركة بين أهل السنة والإمامية» توسط
مبصرة الآل والأصحاب در کویت منتشر
شده (طبع اول، ۱۴۳۷ق/۲۰۱۶م، ۲۰۸
صفحه). حقوق طبع این اثر به‌صورت وقفی
برای توزیع خیریه (بدون تصرف در ماده
علمی) محفوظ است. وجه ممیز این اثر

بن محمد بن فراء البغوی شافعی
(متوفای ۵۱۶ق)، اثری دوجلدی که با
تحقیق علامه شیخ ابراهیم البعقوبی
و مقدمه محمد البعقوبی توسط دار
المکتبی در دمشق به چاپ رسیده
(طبع اول، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م). این کتاب
که به‌صراحت در ذیل عنوان «شمائل»
جای می‌گیرد؛ زبده‌ای از آن چه در کتب
شمائل آمده را بدون تطویل گردآورده و
بیش‌تر آن را با اسناد متصل به مؤلف
روایت کرده است؛ کتاب مشتمل بر
۱۲۵۷ حدیث نبوی است که در صد
و دو باب سامان یافته، و محقق در
تعلیقات خویش احادیث را از مصادر
مؤثّق تخریج و مشکل آن‌ها را ضبط
کرده، آیات قرآنی واردشده در ضمن
احادیث را ذکر کرده، تعلیقی کوتاه برای
افاده لمحای از موضوع و فواید علمی
مستنبط از هر باب افزوده، و واژه‌های
دشوار را نیز شرح داده است.



کتاب الأربعین
فی شمائل
النبي الامین
صلي الله
عليه وسلم؛
گردآوری فلاح
بن صالح بن
مشلیح اللّجاني
است.
کوتاه که با حدیث ابوهیرره روایت
مسلم درباره شدت محبت برخی
از امت آینده به پیام‌بر آغاز می‌شود.
وجه تمایز این اثر از سایر آثار شمائل،
ساختار آن بر پایه عدد چهل است؛
قابلی شناخته‌شده در سنت حدیثی
«اربعینات» که معمولاً برای تسهیل
حفظ و ترویج موضوعی خاص در
میان عموم مردم به‌کار می‌رود. مؤلف
چهل حدیث را که به‌طور خاص بر
شمائل نبوی دلالت دارند گزینش
کرده، بی‌آنکه در پی استیعاب کامل
ابواب شمائل—آن‌گونه که ترمذی یا
بغوی کرده‌اند—برآید؛ از این رو، اثرش
ماهیتی گزینشی و ترویجی-تبلیغی
دارد، و تصنیف جامع یا شرحی تحقیقی
نیست، و برای مخاطب عمومی و
به‌قصد سهولت حفظ و اشاعه سامان
یافته است.



المسؤول فی
شمائل الرسول
صلي الله علیه
وسلم؛ اثر استاد
دکتر حسن بن
عبد الحمید
بخاری است
که توسط
مرکز احسان
لدراسات السنة النبویه (جده) با
همکاری دار اطلس الخضراء منتشر
شده (طبع اول، ۱۴۴۲ق/۲۰۲۱م،
۹۱۲ صفحه) و هزینه نشر آن از محل
وقف «حسان لاحیاء السنة النبویه»
تأمین شده است. وجه تمایز این اثر
از دیگر آثار شمائل، نسبت آن با متن
ترمذی است؛ شرحی کامل بر شمائل
ترمذی نیست؛ بل شرح بر مختصر
آن است—یعنی گزیده‌ای که پیش‌تر
احتمالاً توسط البانی حدیث‌شناس و
تهذیب‌کننده تراث حدیثی، برجسته
از میان احادیث ترمذی برگزیده شده
بود—بخاری در این شرح، به جای
بستگی به توضیح لغوی یا تخریج
صرف، به تفصیل فقهی و استنباط
فواید عملی از هر حدیث پرداخته و
اقوال شارحان پیشین شمائل را نیز
در ذیل هر باب گردآورده، به‌گونه‌ای
که اثر را از حد تحقیق متن فراتر برده
و به شرحی تفصیلی-استنباطی بدل
کرده است.

شمائل النبی صلي الله علیه وسلم؛
تألیف امام حافظ ابوعیسی محمد
بن عیسی ترمذی (متوفای ۲۷۹ق)
است که با تحقیق و تخریج احادیث
دکتر ماهر یاسین فحل و با نظارت و
مراجعة بشّار عوّاد معروف توسط دار
القلم در دمشق منتشر شده (طبع
اول، ۱۴۴۵ق/۲۰۲۳م). این اثر یکی
از کهن‌ترین و مشهورترین تصنیفات
مستقل در باب شمائل نبوی است
که ترمذی آن را در ۵۶ باب سامان
داده و در آن نزدیک به ۴۰۰ حدیث،
از اندک تکرار، درباره هبیت ظاهری
پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم—
نظیر قامت، رنگ و صفت چهره، موی
سر و محاسن—و نیز فشی ایشان را
امور روزمره همچون پوشش، خوراک،
خواب، راه‌رفتن، تبسم، سخن‌گفتن
و رفتار با خانواده و اصحاب گردآورده
است؛ روی‌کرد کتاب همان روش اهل
حدیث با ذکر سند است، و به‌سبب
حسن ترتیب و تبویب، مرجع پایه
برای اغلب آثار متأخر شمائل به‌شمار
می‌رود.



موسوعة های فقهی و استنباطی
از سیره نبوی
موسوعة
غزوات النبی
المصطفی
صلي الله علیه
وسلم-دروس
وعبر- تألیف
امیر بن محمد
المدری است
که به‌صورت مشترک توسط مکتبه
خالد بن الولید و دار الکتب الیمینیه
در صنعاء منتشر شده (طبع اول،
۱۴۳۷ق/۲۰۱۶م). این موسوعه که در
سلسله‌ای موسوم به «غزوات النبی
المصطفی، دروس وعبر» سامان یافته،

هر غزوه یا سرّیه از غزوات پیامبر اکرم
صلی الله علیه وسلم مانند بدر، احد،
خندق، خیبر، حنین، و تبوک را، در
جزوه‌ای مستقل روایت می‌کند و
پس از بیان رویدادها، به استخراج
درس‌ها و عبرت‌های اخلاقی، تربیتی،
و راه‌بردی نهفته در هر واقعه می‌پردازد.
از این رو محتوای کتاب در امتداد سیره
نبوی و به‌طور خاص در حوزه
المغازی/فقه الجهاد، جای می‌گیرد.
موسوعة فتاوی النبی صلي الله
عليه وسلم ودلائلها الصحیحة
من السنة الشریفة؛ که با شرحی
موسوم به «المُنَقَّى فی بیان فتاوی
المصطفی صلی الله علیه وسلم»
همراه است، تألیف ابن خلیفه علیوی
(از فارغ‌التحصیلان جامعه الأزهر
الشریف) است که در دو جلد توسط
دار الکتب العلمیه در بیروت به چاپ
رسیده (طبع اول، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م).

مؤلف در این اثر فتاوایی را که خود
پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم صادر
فرموده از مصادر اصلی اسلام و اصول
دین گردآورده و خود را به احادیث
صحیح یا حسن یا قوی صالح برای
استناد در افتا محدود کرده است.
این موسوعه در دو جلد توسط ابن
خلیفه علیوی گردآوری و توسط دار
الکتب العلمیه در بیروت منتشر شده
(طبع اول، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م)، و مؤلف
در سرتاسر آن فتاوی صادرشده از
خود پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم
را—با اتکا بر احادیث صحیح، حسن،
یا قوی صالح برای افتا—از اقهاث کتب
اسلامی و اصول دین استخراج کرده
و به‌ترتیب ابواب فقهی سامان داده
است؛ جلد نخست ابواب ایمان و
اسلام، طهارت، صلاۀ، جائز، زکات و
صدقات، و صیام را در بر می‌گیرد، و
ادامه ابواب فقهی—که عمدتاً مرتبط
با فقه الاجتماع است—در جلد دوم
پی گرفته می‌شود.

ترجمه و انتقال پژوهش‌های
سیره از زبان‌های بیگانه به زبان
عربی
الأنوار المحمدية فی السيرة النبویه
علی صاحبها أفضل الصلاة وأزکی
التحية؛ با جمع‌آوری السید الشیخ
درویش سلیمان الوافی و ترجمه السید
علی رضا صالح مولي خلیة باعلوی.
نشر توسط مؤسسه yaysan Mur'iy
(indonesia) (YAMUR).

این کتاب شامل گزیده‌ای از مطالب
اخلاقی و مرتبط با سیره عملی است
که به‌نحوی هدف‌مند و بنابر مقاصد
آموزشی و عملی، گردآوری شده است؛
این مطالب اخلاقی گاه بی‌واسطه از
متون روایی برگرفته شده‌اند و گاهی
سیره و خلق‌و‌خوی نبی است. نگارنده
از تنوع محتوایی بهره می‌برد و در
بعضی از فصل‌های کتاب، قطعه‌شعری
را از علمای سلف، خلاصه می‌کند
و مضامین پُراهمیت آن را انعکاس
می‌دهد. فصل‌های ۸گانه این کتاب
بسیار کوتاه‌اند و هر فصل از سه‌چهار
صفحه فراروی نمی‌کند. کتاب با دعاها،
فتوحات و اشعاری در پیوند با پیام‌بر
خاتمه می‌یابد. سید علی رضا صالح آن
را به اندونزیایی ترجمه و تبیین کرده و
مؤسسه‌ای فرهنگی در اندونزی متکفل
نشر آن بوده است.



إمّداد القیادة
فی سیرة النبی
الهدایة؛ تألیف
محمد امداد
حسین بیرزاده
و ترجمه
ابراهیم محمّد
ابراهیم الشّدی؛
انتشارات
دارالفتح (۲۰۲۵م). شاید مهم‌ترین
اثر پژوهشی‌ای باشد که در دو سال
اخیر درباره سیره پیامبر و به‌هدف
کاربردی‌سازی سیره به‌چاپ رسیده
است. اصل کتاب به زبان اردو بوده که
ابراهیم الشّدی آن را به عربی بازگردانده
است. نویسنده ۲۳ ویژگی از ویژگی‌های
مرتبط با رهبری و سرپرستی را در
سیره نبی اصطیاد کرده و اهمیت این
ویژگی‌ها در رهبری موفق و کارآمد را
آشکار ساخته است. در واقع می‌توان
مدعی شد که اثری در حوزه فضیلت‌های
اجتماعی است و نوعی اخلاق کاربردی
فضیلت به حساب می‌آید و نشان
می‌دهد که فضیلت‌های انسانی چگونه
در حوزه اجتماع و سیاست کاربردی
می‌شوند و مسیر رهبری را دگرگون
می‌سازند.

پژوهشی اختصاصی درباره
حضرت ابوطالب و نسب او با
پیامبر

أسمی المطالب فی ضعف رواة تکفیر
أبی طالب؛ تألیف حیدر المالکی؛
انتشارات عتمبه عباسیه (۱۴۴۶ق).
این کتاب از جدیدترین کارهای
پژوهشی است که پیوندهای ایمانی
و قومی بین پیام‌بر و ابوطالب را
برمی‌رسد و خاستگاه حدیثی اتهام
کفر به ابوطالب را تحلیل می‌کند تا
ضعیف‌بودن اکثر استنادهای روایی
دلالت‌کننده بر کفر را به اثبات برساند.

اهمیت آن را باید در نسبت ایمانی
بین ابوطالب و پیام‌بر جست‌وجو کرد
که با ارائه تصویری روشن و مستند به
متون روایی، از مناسبت‌های عملی
حاکم بین ایشان، تصویری پیراسته‌شده
ارائه می‌دهد.

فرستی برای وحدت

مقدمه علامه احمد امین بر تاریخ قرآن
نوشته ابو عبدالله زنجانی



ابو عبدالله زنجانی

زهی سرور که برای معرفی کتاب «تاریخ قرآن» استاد گرامی ابو عبدالله زنجانی مجالی یافتیم؛ و این سرور مرا دلایلی است؛ اول، اینکه استاد زنجانی از اکابر علما و مجتهدان شیعه است و من که این مقدمه کوتاه را می‌نویسم از اهل سنت. تماشای تشدید اختلاف بین شیعه و سنی همواره مرا ملول می‌کند. اختلافاتی که منجر به جدل، تندی، قهر و قطع رابطه می‌شود و گاه حتی از مجادله کلامی و کینه‌قلبی فراتر می‌رود و به تیغ کشیدن و جنگیدن می‌رسد. اگر حوادث میان شیعه و سنی را از زمان علی بن ابیطالب (ع) تاکنون شماره کنیم، چندین جلد کتاب قطور خواهد شد، همه ستیز و خونریزی. اگر این مجاهدت در راه اصلاح صرف می‌شد، مسلمین به اوج شکوه و عظمت می‌رسیدند. اما سیاست و مطامع شخصی، چون پا در عرصه می‌نهند، جز فتنه و دسیسه و تفرقه‌افکنی میان برادران گاری نمی‌کنند و مورخ، حیرت می‌کند وقتی می‌بیند که هر دو به «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» و «ان المؤمنون اخوه» باور دارند و با وجود این، نزاع‌شان بدین حدود رسیده است. شاید آن زمان که نزاع بر سر خلافت بود و جدل می‌کردند چه کسی شایسته‌تر است، می‌شد توجیهی برای جنگیدن یافت اما اکنون به هیچ‌وجه قابل قبول نیست که مسلمین بر سر اختلافی که به تاریخ پیوسته، بجنگند. و البته که جنگ و نزاع هرگز ایشان را به آن نقطه بازخواهد گرداند. خاصه که خود خلافت اکنون به مسأله‌ای صرفاً تاریخی بدل شده و مسلمانان در عمل یک خلیفه واحد ندارند که رهبرشان باشد و عامل اتحادشان. پس اصل اختلاف،

اختلاف در تاریخ و اختلاف در اجتهاد است. اگر بازی‌های سیاسی و فریبکاری فرصت‌طلبان برای فریب عوام و حفظ جاه و مقام و سلطه و طمع اصحاب قدرت نبود، اختلاف میان شیعه و سنی از بین می‌رفت و به لطف خدا، برادر می‌شدند و در جلب منافع و دفع مفاسد همکاری و به یکدیگر با همان نظر می‌نگریستند که حنفی به مالکی می‌نگرد و مالکی به شافعی. به رأی من، آن وقت در رسیده است که خردمندان هر دو گروه به فکر‌هایی برای سازش باشند و در جهت ایجاد همدلی و زدودن دشمنی‌ها بکوشند و بگذارند دانشمندان آزادانه در تاریخ تحقیق کنند، آنگاه نتایج را با روی گشاده بپذیرند، بدان‌سان که نتایج هر تحقیق علمی و تاریخی را می‌پذیرند. مسئولیت این اختلاف بر عهده رهبران دو فرقه است زیرا امکان فروکاستن و زایل کردن آن در دست آنهاست، چنان که احتمال ایجاد و گسترش. و من فکرمی‌کنم اینکه یک شیعه‌مذهب کتابی تألیف کند و یک اهل سنت بر آن مقدمه بنویسد و به به‌گراش بپذیرند، خود یک فرصت گرامی است. شاید همین کار، یک ابتکار نکو در راستای حرکت به سمت سازش، دعوت به اسلام و تلاش برای منافع مسلمین بدون توجه به فرقه یا مذهب باشد و این مسأله برای وضعیت کنونی مسلمانان به واقع یک ضرورت است. دوم، اینکه استاد ابو عبدالله زنجانی را طی سفرش به مصر در سال ۱۹۳۵ شناختم و رابطه ما قوت گرفت و دوستیمان به‌رغم کوتاهی زمان آشنایی، قوامی یافت. گاه قرابت قلوب کاری می‌کند که گذشت زمان و استمرار رفاقت‌ها نمی‌کند. و درست گفته‌اند که «الأرواح جنود مجنده. فما تعارف منها ائتلف و ما تناكر منها اختلف». و من او را بسیار آگاه و اندیشمند و سرشار از علم فلسفه اسلامی و ایجاد و ادوار آن دیدم، با نفسی صافی و خلّقی سخنی که محبت مرا برانگیخت و بر آن شدم تا کتابش را به خوانندگان معرفی کنم.

سوم، اینکه در کتاب حاضر به تاریخ قرآن از منظر خط، جمع‌آوری، اعراب و نقطه‌گذاری پرداخته شده که موضوعی است دشوار و اگرچه پیشینیان بدان پرداخته‌اند، هنوز مجال گفت‌وگو گسترده‌ای دارد. البته استاد زنجانی قصد داشت به طور جامع‌تری بدان بپردازد و اثری همه‌جانبه پدید آورد که علاوه بر جزئیات کامل روایی، عامل نقل را نیز در خود بگنجاند اما به دلایلی نشد. پس کتاب به صورت موجز و مختصر به انتشار رسید، اگرچه با این حال هم باز مطالب بسیاری را که لایه‌لای کتب نویسندگان شیعه و سنی پراکنده بود، در خویش گردآورده است. شاید زمان و شرایط این فرصت برایش فراهم سازد تا گام بعدی را بردارد و بحثی گسترده‌تر و کتابی جامع‌تر تقدیم خوانندگان کند؛ کتابی که مسائل عمیق و جزئیات دقیق پنهان‌مانده را آشکار سازد و اواقطاً سزاوار این کار است. خداوند یارش باد.

احمد امین / ۲۵ ژانویه ۱۹۳۵



احمد امین

میراث پیامبر برای امروز

خداوند از طریق حضرت محمد(ص) ما را به ایستادگی در برابر طغوت فرامی خواند

تحلیل



پرفسور محمد گنهنوژن

عضو هیات علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

هر نسلی از مسلمانان با این پرسش روبه‌رو است که چگونه می‌توانیم میراث پیامبر(ص) را حفظ کنیم؟ این پرسش پاسخ‌های درست متعددی دارد: ناسی به سیره عبادی ایشان، ایمان به وحی الهی، تلاوت قرآن و تکریم اهل بیت(ع). برای یافتن بهترین پاسخ به این پرسش، طرح پرسشی دیگر راهگشا خواهد بود: خود پیامبر(ص) چه چیزی را میراث خویش می‌دانست؟ پاسخ این پرسش در حدیثی مشهور نهفته است: «همانا من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را به کمال برسانم.»[۱] اگر خود پیامبر(ص) رسالتش را این‌گونه خلاصه کرده، پس شاید ما گاهی جوهره میراث او را در جای نادرستی جست‌وجو کرده‌ایم. ما کجا به دنبال آن بوده‌ایم؟ در امپراطوری؟ در کشورگشایی؟ در قانون؟ یا در هویت پیامبر(ص) در این حدیث به امر عمیق‌تری اشاره می‌کند: ما برای حفظ میراث او باید به خودسازی بپردازیم. مکارم اخلاق صرفاً به معنای رفتار مودبانه نیست، هرچند از اهمیت آن نیز نباید غافل شد. به کمال رساندن مکارم اخلاق یا همان فضایل، ما را توانا می‌سازد تا در تمام سطوح زندگی خویش اعم از فردی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی، به تعالی یا احسان دست یابیم؛ همان مفهومی که چیتیک آن را به «انجام امر زیبا»[۲] ترجمه می‌کند. محدود ساختن مکارم اخلاق به ساحت فضایل خصوصی و فردی، خطایی بنیادین است. کمال اخلاقی در تعالیم پیامبر(ص)، از اقامه عدالت، دفاع از ستمدیدگان، و استقرار و حفظ موازین اسلامی در نهادهای اجتماعی جدایی‌ناپذیر است. اخلاق والا یک انگاره رمانتیک از «روح زیبا» نیست؛ بلکه دربردارنده حکمت عملی مورد نیاز برای پاسداشت عدالت و رحمت در حیات جمعی جامعه است.

ایستادگی در برابر طغوت

اگر پیامبر(ص) به این دنیا بازمی‌گشت، از ما چه می‌پرسید؟ آیا مبعوث فناوری‌های نوین می‌شد؟ آیا از ثروت هنگفت ثروتمندان جهان به حیرت می‌آمد؟ آیا از افزایش جمعیت جهان شگفت‌زده می‌شد؟ یا همان پرسش‌های دوران حیات خویش را پیش می‌کشید و از ما می‌خواست تا با نگاهی نقادانه در کارنامه اعمال مان تأمل کنیم؟ اما از خود چه ساخته‌ایم؟ این معنا به روشنی در حدیثی بازتاب یافته است که در منابع متعدد هر دو سنت شیعه و سنی، از جمله بحارالانوار مجلسی، نقل شده است. در این حدیث چنین آمده است: «قال رجل: یا رسول الله منی الشیاع؟ فقال له رسول الله(ص): وَمَا أَغْدُثُ لَهَا؟ مردی پرسید: ای رسول خدا، قیامت (روز جزا) چه زمانی است؟ رسول خدا(ص) به او پاسخ داد: و تو برای آن چه آماده کرده‌ای؟»[۳]

این حدیث ادامه دارد، اما نکته‌ای که می‌خواهم توجه شما را به آن جلب کنم، شیوه‌ای است که پیامبر(ص) مسیر پرسش را تغییر می‌دهد. پیامبر(ص) به جای گمانه‌زنی درباره زمان فرارسیدن قیامت، مخاطب را به تأمل اخلاقی فرا می‌خواند. در این گفت‌وگو، با دو تصور متعارض درباره شأن پیامبر روبه‌رو می‌شویم. پرسشگر انتظار دارد پیامبر در مقام یک پیشگو ظاهر شود و از آینده خبر دهد؛ اما پیامبر(ص) مسیر بحث را تغییر می‌دهد و بدین ترتیب نشان می‌دهد رسالت او در مقام پیامبر، جنبه‌ای بسیار عملی‌تر دارد. ایشان به پرسش‌گر یادآور می‌شوند خویشتر را برای دیدار با اقربدگارش آماده کنند.

رسول خدا(ص) در این رویکرد، در همان مسیری گام برمی‌دارد که پیامبران پیشین پیمودند. برای نمونه، در سوره «احقاف» می‌خوانیم که قوم عاد، هود نبی(ع) را به سخره می‌گرفتند و از او درباره رستاخیز مردگان می‌پرسیدند. او در پاسخ، توجه آنان را به مسأله‌ای اخلاقی معطوف کرد و فرمود: «أَرَأَيْكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ؟ شما را قومی می‌بینم که جهالت می‌ورزید» (احقاف: ۲۳). در اینجا، مراد از جهالت آن نیست که قوم او از چگونگی وقوع رستاخیز ناگاہ‌اند؛ بلکه سخن از یک نقصان اخلاقی است؛ یعنی همان جهالت برخاسته از تکبر، توجه آنان از جهالت اخلاقی معطوف کرد و فرمود: «أَرَأَيْكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ؟ شما را قومی می‌بینم که جهالت می‌ورزید» (احقاف: ۲۳). در اینجا، مراد از جهالت آن نیست که قوم او از چگونگی وقوع رستاخیز ناگاہ‌اند؛ بلکه سخن از یک نقصان اخلاقی است؛ یعنی همان جهالت برخاسته از تکبر، توجه آنان از جهالت اخلاقی معطوف کرد و فرمود: «أَرَأَيْكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ؟ شما را قومی می‌بینم که جهالت می‌ورزید» (احقاف: ۲۳). در اینجا، مراد از جهالت آن نیست که قوم او از چگونگی وقوع رستاخیز ناگاہ‌اند؛ بلکه سخن از یک نقصان اخلاقی است؛ یعنی همان جهالت برخاسته از تکبر، توجه آنان از جهالت اخلاقی معطوف کرد و فرمود: «أَرَأَيْكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ؟ شما را قومی می‌بینم که جهالت می‌ورزید» (احقاف: ۲۳). در اینجا، مراد از جهالت آن نیست که قوم او از چگونگی وقوع رستاخیز ناگاہ‌اند؛ بلکه سخن از یک نقصان اخلاقی است؛ یعنی همان جهالت برخاسته از تکبر است؛ یعنی نالگاهی از شیوه رفتار درست، که ریشه در تیرگی قلبی دارد که در برابر حقیقت معنوی و اخلاقی تابیناست.

همه پیامبران در مقام بیم‌دهنده و بشارت‌دهنده مبعوث شدند. این بیم و هشدار، منوجه ستم، طمع، سنگدلی و جهالتی است که در تیرگی‌های قلبی تابینا ریشه دارد. بشارت نیز آن است که خداوند به واسطه وحی، ما را هدایت کرده است تا از طریق مسیری تربیتی، راه را بر جهل ببندیم؛ اینکه بیاموزیم مبتنی بر اسلام

زندگی کنیم و جز در برابر خداوند، تسلیم هیچ سلطه دیگری نشویم. این گذار از تاریکی به نور، در شهادت نخستین خلاصه می‌شود: لا اله الا الله (هیچ خدایی جز الله نیست). این مسیر با اعلام مقاومت در برابر تاریکی‌هایی آغاز می‌شود که سایه‌های شان به مثابه بت‌هایی دروغین پذیرفته شده‌اند؛ بت‌هایی نظیر ثروت، قدرت، شهوت و هر پدیده دیگری که آدمیان را گرفتار جهت‌گیری‌های فریبنده‌ای می‌سازد و همزمان، عاملیت اصل انسانی را تضعیف می‌کند.

این نیروهای چهل در مفهوم «طاغوت» تجلی می‌یابد؛ همان قدرت طغیانگری که متکبرانه حیرم تمامی حقوق و تکالیف را زیر پا می‌گذارد و آدمیان را به ورطه تاریکی و کودل‌می می‌کشاند. اقرار به شهادتین صرفاً گواهی بر حقایقی درباره الوهیت و نبوت نیست، بلکه اعلان تعهدی است برای مقاومت در برابر تمامی اشکال بت‌پرستی و ستم، نفی هرگونه طاغوت و شناخت محمد(ص) در مقام رسول خدا؛ همو که راه و رسم این مقاومت را به ما نشان می‌دهد. پیامبر(ص) رسالت خود را رسالتی اخلاقی توصیف کرد: تکمیل مکارم اخلاق. امروز چالشی که او پیش روی مدعیان پیروی از خود قرار می‌دهد، این است که از خویش بپرسیم: آیا به این دعوت به قیام علیه نیروهای چهل در درون‌مان، در جوامع برای خود قرار می‌دهد، این است که از خویش بپرسیم: آیا به این دعوت به قیام علیه پیامبر در وهله نخست، پایه‌گذاری یک سنت حقوقی نیست؛ هرچند ابلاغ شرعیتی جدید نیز بخشی از مأموریت الهی ایشان بود. این میراث در ایجاد امتی واحد از میان اقوام گوناگون، یا حتی بنای آنچه تمدن اسلامی خوانده می‌شود نیز خلاصه نمی‌شود؛ اگرچه چنین دستاوردهای تحسین‌برانگیزی هم در شمار کارنامه درخشان ایشان جای می‌گیرد. میراث او پرورش افراد و جوامعی است که مظهر مقاومت در برابر هرگونه شرک و جهل هستند؛ کسانی که با همین ایستادگی در برابر طاغوت، به ترکیه درون و تظهير جامعه خویش می‌پردازند. این مقاومت، هم در برابر طاغوت درون است که ما را به دنیاطلبی فرا می‌خواند و هم در برابر طاغوت بیرون که همچون دشمنی در برابرمان صف‌آرایی می‌کند و می‌کوشد ما را به تسلیم در برابر ستم وادارد. در پرتو مقاومتی که پیامبر(ص) به ما آموخت، رسالت ما این است که فضایل اخلاقی خویش را تعالی بخشیم تا از این رهگذار بتوانیم در ساحت فردی و اجتماعی، گام‌هایی استوار در مسیر توحید، عدالت و رحمت برداریم.

فراتر از تاریخ، از رهگذار تاریخ

اگر قرار است رسالت پیامبر(ص) را تداوم بخشیم، نمی‌توانیم صرفاً به تقلید از ایشان بسنده کنیم. شرایط روزگار دگرگون شده است و ما در پی بنای جامعه‌ای قبیله‌ای مشابه آنچه ایشان در آن می‌زیست نیستیم. مسأله اساساً تقلید نیست. از سوی دیگر، می‌توانیم پیامبر(ص) را از بستر تاریخی‌اش جدا کنیم تا ماهیتی ماوراءالطبیعی و فراتاریخی برای ایشان قائل شویم، اما خطر انحراف از مقصود اصلی در این رویکرد، کمتر

از تقلید کورکورانه نیست. هدف اصلی این است که چالشی را که ایشان پیش روی ما قرار می‌دهد درک کنیم و به آن پاسخ دهیم. در سوره انعام می‌خوانیم: «وَأَوْحِي إِلَيْ هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنَّكَ مِنْ وَحْنٍ بَلِّغْ/ این قرآن بر من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را که [این پیام] به او می‌رسد بیم‌دهم» (انعام: ۱۹). اگر بخواهیم به این هشدار اعتنا کنیم، باید این رسالت را برعهده بگیریم، تعهدات پیامبر را تعهدات خود بدانیم و به بشارت او امیدوار باشیم. تحولاتی که از عصر پیامبر(ص) تا به امروز رخ داده، ممکن است این تصور را پدید آورد که تاریخ دیگر موضوعیتی ندارد. شاید برخی گمان کنند نیازی نیست به آن مسأله بپردازیم که مردم در ۱۴ قرن پیش چگونه زندگی می‌کرده‌اند. اگر توجه ما به پیامبر(ص) صرفاً در مقام یک الگوی اخلاقی است، آیا می‌توانیم تنها بر فضایل ایشان تمرکز کنیم و مسألات دیگر را نادیده بگیریم؟ قطعاً چنین نیست!

برای آنکه پیامبر(ص) امروز نیز با ما سخن بگوید، باید گوش سپردن به کلام او را بیاموزیم. باید زبان او را فرا بگیریم یا به کسانی تکیه کنیم که آن را آموخته‌اند. باید شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر زمانه دینی در عصر ایشان رواج داشته است. این امر، نه تنها نیازمند بررسی منابع اولیه، یعنی قرآن و احادیث است، بلکه مستلزم پژوهش‌های تاریخی گسترده‌ای است. به‌دروستی می‌توان ادعا کرد که بنیادی‌ترین انگیزه در سراسر تاریخ علوم اسلامی، اهتمام به فهم پیام پیامبر(ص) بوده است. با این حال، در بستر قرن‌ها تصور علوم اسلامی، اندیشمندانی در ادوار مختلف ظهور کرده‌اند و این چالش را پیش‌کشیده‌اند که شاید ما مقصود اصلی ایشان را درنیافته باشیم.

بسیاری ادعا کرده‌اند که فهم ما از اسلام، از پیام بنیادین پیامبر(ص) منحرف شده، هرچند بر سر چیستی این پیام بنیادین یا یکدیگر اختلاف نظر دارند. گروهی بر سخت‌گیری‌های شرعی یای می‌فشارند و گروهی دیگر از اتحاد با خداوند سخن می‌گویند. انقلاب اسلامی ایران را نیز می‌توان بازتابی از همین آگاهی دانست که اسلام دچار کج‌فهمی شده و صرفاً به مناسک عبادی و احکام خوراک تقلیل یافته است. امام خمینی و دیگران با طرح این اندیشه که پیام رسول خدا(ص) متضمن هشداری برای مقاومت در برابر بی‌عدالتی و دفاع از ستم‌دیدگان (مستضعفین) است، الهام‌بخش میلیون‌ها نفر شدند. یعنی حمایت از کسانی که مژده ارث بردن زمین به آنان داده شده است: «وَتَرَى أَنَّهُمْ غُلِي الْأَئِينَ اسْتَغْفِقُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلُهُمْ أَقْبَةً وَتَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ/ و خواستیم بر کسانی که در زمین به استضعاف کشیده شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان [زمین] گردانیم.» (قصص: ۵)؛[۴]

مکاتب فکری مختلف در هر یک از شاخه‌های علوم اسلامی، مواضع متعارضی با یکدیگر دارند. مواجهه با این تفاسیر گوناگون از اسلام، باید یاری‌گر ما باشد تا پیش از طرح مجدد این پرسش که پیامبر(ص) که بود و رسالت ایشان امروز چه اهمیتی برای ما دارد، نوعی تواضع فکری سالم را در خود

پرورش دهیم.

در نگاه نخست، این پرسش‌ها ماهیتی تاریخی دارند. دانسته‌های ما در این زمینه فراوان است: برای نمونه، بسیار فراتر از آن چیزی است که درباره عیسی (ع) یا بودا می‌دانیم. تاریخ نیز بیوسنه یافته‌های تازه‌ای پیش روی ما می‌نهد. اگر در پی شناخت عمیق‌تری از پیامبر(ص) هستیم، نمی‌توانیم تنها به میراث گذشتگان بسنده کنیم؛ بلکه باید ببینیم پژوهشگران خارج از محافل فکری ما نیز چگونه به واکاوی زندگی و پیام ایشان می‌پردازند. در غیر این صورت، با خطر ابتلا به نوعی تصلب فکری روبه‌رو خواهیم شد؛ وضعیتی که در آن می‌پنداریم دانشمان کفایت می‌کند، بی‌آنکه بپذیریم نقدهایی باشیم که می‌توانند خطاهایمان را آشکار سازند. حتی فراتر از این باید گفت: اگر خواهان درک پیامبر(ص) و پیام ایشان برای دنیای امروز هستیم، ناگزیریم پژوهش‌های تاریخی متأخر و ملاحظات متعدد دیگری را نیز مدنظر قرار دهیم.

با این حال، هنگامی که به واکاوی متون تاریخی پیرامون زندگی پیامبر(ص) می‌پردازیم، بی‌درنگ با مناقشاتی بر سر میزان اعتبار منابع روبه‌رو می‌شویم. نویسندگان مسلمان غالباً چنین پیش‌فرض می‌گیرند که می‌توان بدون هیچ‌گونه بررسی انتقادی، به گزارش‌های تاریخی سنت خویش اعتماد کرد؛ در حالی که مورخان سکولار نیز غالباً این قبیل روایات را یکسره بی‌اعتبار می‌شمارند. در اینجا به معرفی دو نویسنده می‌پردازم که در پژوهش‌های تاریخی خود درباره پیامبر(ص)، از این لغزش‌ها مصون مانده‌اند: [نشان غفار] [۵] و خوان کول. [۶] آثار پژوهشگران پرشمار دیگری نیز شایسته مطالعه است، اما در اینجا تنها به ذکر نام همین دو پژوهشگر بسنده می‌کنم. انتخاب این دو نویسنده، گذشته از غبار بالای علمی آثارشان، بدان سبب است که به مسأله‌ای می‌پردازند که نقشی بنیادین در درک اهمیت میراث نبوی برای دنیای امروز ما ایفا می‌کنند.

مسلمان آلمانی پاکستانی تبار و استاد تفسیر قرآن در مؤسسه الهیات اسلامی دانشگاه پادربورن است و در کنار آن، ریاست مرکز الهیات تطبیقی و مطالعات فرهنگی همین دانشگاه را نیز برعهده دارد. او همچنین همکاری گسترده‌ای با پروژه «کورپوس کورانیکوم» [۷] داشته است: پروژه‌ای که از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۴ به سرپرستی آتجلیکا نیوورت [۸] اجرا شد. او مؤلف کتاب‌های «محمد تاریخی در الهیات اسلامی» [۹] (۲۰۱۸) و «قرآن در بستر تاریخ دینی و جهانی» [۱۰] منتشر شده در سال ۲۰۲۰ است. غفار در بررسی زندگی پیامبر(ص) از رویکردی متوازن دفاع می‌کند: رویکردی که ضمن بهره‌گیری از روش‌های تاریخی و انتقادی، انگای سنتی به روایات و آثار متأخر سیره‌نویسی را کنار نمی‌گذارد.

غفار نیز همانند شماری دیگر از مورخان این دوره، بر تقابل جاری میان امپراطوری‌ها در عصر سلالت پیامبر(ص) تأکید دارد. در قرن‌های ششم و هفتم میلادی، بیزانس مسیحی و ایران زرتشتی رقابتی بزرگ منطقه غرب آسیا بودند. از قرن چهارم تا سال ۶۱۴ میلادی، اورشلیم شهری مسیحی به شمار می‌رفت که ورود یهودیان به آن ممنوع بود؛ همچنین یادگار مقدسی که گمان می‌رفت همان صلیب برای مقاومت در برابر بی‌عدالتی و دفاع از ستم‌دیدگان (مستضعفین) است، الهام‌بخش میلیون‌ها نفر شدند. یعنی حمایت از کسانی که مژده ارث بردن زمین به آنان داده شده است: «وَتَرَى أَنَّهُمْ غُلِي الْأَئِينَ اسْتَغْفِقُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ/ و خواستیم بر کسانی که در زمین به استضعاف کشیده شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان [زمین] گردانیم.» (قصص: ۵)؛[۴]

مکاتب فکری مختلف در هر یک از شاخه‌های علوم اسلامی، مواضع متعارضی با یکدیگر دارند. مواجهه با این تفاسیر گوناگون از اسلام، باید یاری‌گر ما باشد تا پیش از طرح مجدد این پرسش که پیامبر(ص) که بود و رسالت ایشان امروز چه اهمیتی برای ما دارد، نوعی تواضع فکری سالم را در خود



خوان کول که سال‌ها در دانشگاه میشیگان، صاحب کرسی تاریخ (کرسی ریچاردی. میچل) است، در کتاب «محمد: پیامبر صلح در میانه تقابل امپراطوری‌ها» (۲۰۱۸) شرحی بر زندگی و رسالت پیامبر(ص) ارائه داده است. پس از آن نیز تألیف کتاب «بازاندیشی قرآن در دوران باستان متأخر» را به انجام رساند

برای آنکه پیامبر(ص) امروز نیز با ما سخن بگوید، باید گوش سپردن به کلام او را بیاموزیم. باید زبان او را فرا بگیریم یا به کسانی تکیه کنیم که آن را آموخته‌اند. باید شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر زمانه ایشان را درک کنیم و به آن پاسخ دهیم. در سوره انعام می‌خوانیم: «وَأَوْحِي إِلَيْ هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنَّكَ مِنْ وَحْنٍ بَلِّغْ/ این قرآن بر من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را که [این پیام] به او می‌رسد بیم‌دهم» (انعام: ۱۹). اگر بخواهیم به این هشدار اعتنا کنیم، باید این رسالت را برعهده بگیریم، تعهدات پیامبر را تعهدات خود بدانیم و به بشارت او امیدوار باشیم. تحولاتی که از عصر پیامبر(ص) تا به امروز رخ داده، ممکن است این تصور را پدید آورد که تاریخ دیگر موضوعیتی ندارد. شاید برخی گمان کنند نیازی نیست به آن مسأله بپردازیم که مردم در ۱۴ قرن پیش چگونه زندگی می‌کرده‌اند. اگر توجه ما به پیامبر(ص) صرفاً در مقام یک الگوی اخلاقی است، آیا می‌توانیم تنها بر فضایل ایشان تمرکز کنیم و مسألات دیگر را نادیده بگیریم؟ قطعاً چنین نیست!

برای آنکه پیامبر(ص) امروز نیز با ما سخن بگوید، باید گوش سپردن به کلام او را بیاموزیم. باید زبان او را فرا بگیریم یا به کسانی تکیه کنیم که آن را آموخته‌اند. باید شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر زمانه دینی در عصر ایشان رواج داشته است. این امر، نه تنها نیازمند بررسی منابع اولیه، یعنی قرآن و احادیث است، بلکه مستلزم پژوهش‌های تاریخی گسترده‌ای است. به‌دروستی می‌توان ادعا کرد که بنیادی‌ترین انگیزه در سراسر تاریخ علوم اسلامی، اهتمام به فهم پیام پیامبر(ص) بوده است. با این حال، در بستر قرن‌ها تصور علوم اسلامی، اندیشمندانی در ادوار مختلف ظهور کرده‌اند و این چالش را پیش‌کشیده‌اند که شاید ما مقصود اصلی ایشان را درنیافته باشیم.

بسیاری ادعا کرده‌اند که فهم ما از اسلام، از پیام بنیادین پیامبر(ص) منحرف شده، هرچند بر سر چیستی این پیام بنیادین یا یکدیگر اختلاف نظر دارند. گروهی بر سخت‌گیری‌های شرعی یای می‌فشارند و گروهی دیگر از اتحاد با خداوند سخن می‌گویند. انقلاب اسلامی ایران را نیز می‌توان بازتابی از همین آگاهی دانست که اسلام دچار کج‌فهمی شده و صرفاً به مناسک عبادی و احکام خوراک تقلیل یافته است. امام خمینی و دیگران با طرح این اندیشه که پیام رسول خدا(ص) متضمن هشداری برای مقاومت در برابر بی‌عدالتی و دفاع از ستم‌دیدگان (مستضعفین) است، الهام‌بخش میلیون‌ها نفر شدند. یعنی حمایت از کسانی که مژده ارث بردن زمین به آنان داده شده است: «وَتَرَى أَنَّهُمْ غُلِي الْأَئِينَ اسْتَغْفِقُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ/ و خواستیم بر کسانی که در زمین به استضعاف کشیده شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان [زمین] گردانیم.» (قصص: ۵)؛[۴]

مکاتب فکری مختلف در هر یک از شاخه‌های علوم اسلامی، مواضع متعارضی با یکدیگر دارند. مواجهه با این تفاسیر گوناگون از اسلام، باید یاری‌گر ما باشد تا پیش از طرح مجدد این پرسش که پیامبر(ص) که بود و رسالت ایشان امروز چه اهمیتی برای ما دارد، نوعی تواضع فکری سالم را در خود

بار اجازه یافتند به شهر مقدس خویش قدم بگذارند. با این حال تا سال ۶۲۰ میلادی، خسرو پرویز شکست خورد و یادگار صلیب به جایگاه خود بازگردانده شد؛ هراکلیوس (هرقل)، امپراطور بیزانس، نیز در مقام احیاگر نظمی ستایش می‌شد که قرار بود طرح الهی تاریخ از رهگذار آن محقق شود. ورود یهودیان به شهر با دیگر ممنوع شد؛ ممنوعیتی که تنها پس از فتح شهر به دست خلیفه عمر لغو گردید.

در آیات آغازین سوره «اسراء» (۱۷)، به دو فاجعه برای بنی اسرائیل اشاره شده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، این دو رویداد را ناظر به ویرانی معبد اول و دوم اورشلیم می‌داند. معبد اول (معبد سلیمان) در سال ۵۸۶ پیش از میلاد (برخی منابع این تاریخ را ۵۸۷ پیش از میلاد ذکر کرده‌اند) به دست بابلی‌ها و با فرمان بخت‌النصر [۱۲] ویران شد. معبد دوم نیز در سال ۷۰ میلادی توسط رومیان به فرماندهی تیتوس (پسر امپراطور و سپاسیان) در جریان اولین جنگ روم و یهود (معروف به شورش بزرگ) و پس از محاصره‌ای طولانی در اورشلیم تخریب شد. قرن‌ها بعد، هنگامی که پیامبر(ص) یاد کرده‌اند، اینها تنها چند نمونه از پژوهش غفار است که نکات روشن‌گر فراوانی درباره بستر فرهنگی رسالت پیامبر(ص) دربردارد؛ مباحثی همچون شواهد تازه درباره ریشه‌های بنسب‌الله، بازتعریف مفهومی پیمان الهی، آخرالزمان و بسیاری موضوعات دیگر. غفار نشان می‌دهد با خوانش قرآن و درنگ در فضای پرناتهاب ژئوپلتیکی و الهیاتی در عصر نزول، شاهد شکل‌گیری یک موضع فاطح ضد امپریالیستی خواهیم بود. اولین مقابله سیمای امپراطورما یانه هراکلیوس به پادشاهی جنگاور و آخرالزمانی بود و با طرح ادعاهای گراف مبنی بر «داود جدید» بودن، جنگی مقدس را به سوی فرجام جهان رهبری می‌کرد، پیامبر(ص) بیم‌دهنده‌ای فروتن، بشری فانی و «رحمتی برای جهانیان» است.

در میان مسیحیان نیز تفسیری معنوی از جایگاه معبد اورشلیم وجود داشت. آنان بر این باور بودند که مسیح همان معبد است و رستاخیز او، در حقیقت بازسازی همین معبد به شمار می‌رود. در نقطه مقابل، در پیام قرآن نه نیازی به معبد دیده می‌شود و نه هیچ بازسازی تازه‌ای برای آن پیش‌بینی شده است؛ رویکردی که در نهایت به تغییر مسیر

قبله به سوی مکه می‌انجامد. در اینجا نوعی تغییر جهت‌گیری رخ می‌دهد: روی‌گردانی از همان هدف گران‌بهای که امپراطوری‌های بزرگ، قرن‌ها بر سر تصاحب آن جنگیده بودند. در روزگار پیامبر(ص)، اورشلیم در سال ۶۱۴ میلادی به فرمان خسرو پرویز و به دست ساسانیان فتح شد و سپس در سال ۶۲۹ یا ۶۳۰ میلادی، هراکلیوس، امپراطور بیزانس، آن را بازپس گرفت. هر دو سوی نبرد، روایت‌ها و تبلیغات خاص خود را داشتند. از نگاه مسیحیان، یکی انگاشتن مسیح با معبد جدید، نشانگر عهدی تازه با خداوند و نسخ شریعت موسی بود. در مقابل، یهودیان در انتظار بنای معبد سوم بودند. قرآن هردوی این رویکردها را مردود می‌شمارد. آتجلیکا نیوورت، رد خوانش باطنی و سستی مسیحیان از متون مقدس عبری را «تمثیل‌زدایی» [۱۴] می‌نامد. این رویکرد، عصری کلیدی در شکل‌دهی به روایتی از روزه‌گار قرار می‌گرفت. (شهید امام خاتمه‌ای از این فرآیند شکل‌گیری روایت جایگزین اسلامی، با تعبیر «جهاد تبیین» یاد کرده‌اند.) اینها تنها چند نمونه از پژوهش غفار است که نکات روشن‌گر فراوانی درباره بستر فرهنگی رسالت پیامبر(ص) دربردارد؛ مباحثی همچون شواهد تازه درباره ریشه‌های بنسب‌الله، بازتعریف مفهومی پیمان الهی، آخرالزمان و بسیاری موضوعات دیگر. غفار نشان می‌دهد با خوانش قرآن و درنگ در فضای پرناتهاب ژئوپلتیکی و الهیاتی در عصر نزول، شاهد شکل‌گیری یک موضع فاطح ضد امپریالیستی خواهیم بود. اولین مقابله سیمای امپراطورما یانه هراکلیوس به پادشاهی جنگاور و آخرالزمانی بود و با طرح ادعاهای گراف مبنی بر «داود جدید» بودن، جنگی مقدس را به سوی فرجام جهان رهبری می‌کرد، پیامبر(ص) بیم‌دهنده‌ای فروتن، بشری فانی و «رحمتی برای جهانیان» است.

کتاب غفار بنیان تاریخی استواری برای الهیات مقاومت اسلامی فراهم می‌آورد. اول، نشان می‌دهد که قرآن در برابر تقدس بخشی به نهاد امپراطوری می‌ایستد. هرگونه ادعای برخورداری از عنایت الهی یا امتیاز آخرالزمانی برای بیزانس و ایران باطل شمرده می‌شود و بویژه مبنای الهیاتی بیزانس به کلی مردود اعلام می‌گردد. دوم، اولویت دادن

بزگداشت
هزار و
پانصدمین
سال ولادت
پیامبر رحمت(ص)



شنبه
۷ شهریور ۱۴۰۵
۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۲۸

سال
سی و دوم
شماره ۹۱۰۹

Saturday
29 August 2026
Vol 9109



همیشگی به رحمت، مسئولیت‌پذیری اخلاقی و تقوای الهی، نگاه انحصارطلبانه حاکم بر الهیات یهود و مسیحیت را به چالش می کشد. «بافت‌زدایی» قرآن از کالبد معبد و نفی برنامه‌های بازسازی یهودی و مسیحی، مشروعیت شعراها و جاه‌طلبی‌های امپریالیستی را سلب می کند تا مسیر هدایت به سوی کمال اخلاقی و معنوی هموار شود. سوم، ترسیم چهره پیامبر(ص) در مقام بیم‌دهنده‌ای فروتن و نه فرمانروایی فاتح و آخرالزمانی، الگویی پیامبرانه ارائه می دهد که در مقابل سوءاستفاده از دین برای مقاصد امپریالیستی می ایستد. کوتاه سخن آنکه، خوانش زمینه‌مند غشای نشان می دهد که سوره‌های نازل‌شده در دوره میانی مکه، از همان زمان تجلی نوعی مقاومت الهیاتی بوده‌اند: قرآن در مواجهه با تقابل امپراطوری‌ها، به جای آنکه در این چارچوب امپریالیستی به سود یکی از قدرت‌ها سوگیری کند، تبیین می کند که چگونه یک امت و جامعه دینی می‌تواند با مقاومت در برابر سلطه امپراطوری‌ها، برای استقرار عدالت تلاش کند.

موزح دیگری که در اینجا به معرفی او می پردازم، خوان کول است. او دانش‌آموخته مطالعات دینی و اسلامی است که سال‌ها در دانشگاه میشیگان فعالیت داشته و در آنجا صاحب کرسی تاریخ (کرسی ریچارد بی. میچل) است. سابقه فعالیت در مقام استاد مدعو و وابسته در مراکز نظیر دانشگاه قطر نیز در کارنامه او دیده می‌شود. کول تاکنون خود را رسماً پیرو دین یا مذهب خاصی معرفی نکرده است. از تحسین‌شده‌ترین آثار تاریخی او می‌توان به «ریشه‌های تشیع شمال هند در ایران و عراق» (۱۹۸۸)، «استعمار و انقلاب در خاورمیانه» (۱۹۹۳)، «فضای مقدس و جنگ مقدس» (۲۰۰۲) و «مصر ناپلئون» (۲۰۰۷) اشاره کرد. او در کتاب «محمد: پیامبر صلح در میانه تقابل امپراطوری‌ها» (۲۰۱۸) شرحی بر زندگی و رسالت پیامبر(ص) ارائه داده است. پس از آن نیز تألیف کتاب «بازاندیشی قرآن در دوران باستان متأخر» را به انجام رساند که در سال ۲۰۲۵ منتشر شد.

همان‌گونه که از عنوان کتاب سال ۲۰۱۸ او برمی‌آید، کول نیز مانند غفار و دیگر مورخان معاصر صدر اسلام، بررسی ظهور اسلام را در

امروز خداوند

از طریق پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان، بار دیگر ما را به ایستادگی در برابر طاغوت فرا می خواند.

آرمان اسلام،

آرمانی

فرقه‌گرایانه

نیست. پس

از حمله

فوریه گذشته

به ایران،

میلیون‌ها نفر

در شهرهای

سراسر کشور

به خیابان‌ها

آمدند؛

روپدادی که

تجلی خیزش

امت، یا به

تعبیر شهید

فقید، امام

خامنه‌ای،

«بعثت امت»

خوانده شد

با گنجاندن این «الهیات نجات»، موضع قرآن از چارچوب‌های کلاسیک جنگ عادلانه فراتر می‌رود و به عرصه استثناترزی از اخلاق مقاومت بشردوستانه در برابر بی‌عدالتی گام می‌نهد. این امر نشان می‌دهد آموزه قرآنی شاید صرفاً بازگویی سنت‌های پیشین نباشد؛ بلکه مقاومت در برابر ستم و محافظت از ستمدیدگان را به مثابه اصلی‌ترین توجیه اخلاقی برای توسل به زور بنا می‌نهد. بنابراین، پژوهش کول می‌تواند به غنای الهیات مقاومت اسلامی کمک کند، چرا که بر نوعی مقاومت اخلاقی، دفاعی و اصولی تأکید می‌ورزد که ریشه در رویکرد قرآن به صلح‌گستری، عدالت و آزادی عقیده دارد. این نوع مقاومت، در نقطه مقابل تجاوزگری، اقدامات خودسرانه یا جنگ مقدس قرار می‌گیرد و البته باید با درک وظایف اخلاقی و دینی ما برای یاری رساندن به قربانیان ستم تکمیل شود. کول در پژوهش‌های خویش، تاریخ صدر اسلام را به مثابه واکنشی در برابر خشونت و سرکوب نظام‌مند امپراطوری‌ها بازخوانی می‌کند و از این رهگذر، منابع تاریخی و متنی ارزشمندی را در اختیار اندیشه اسلامی معاصر قرار می‌دهد تا در مسیر ایستادگی در برابر ستم، بر اصول اخلاقی و دینی استوار بماند. الهیات مقاومت اسلامی که در قرآن تجلی یافته است، مؤمنان را مکلف می‌سازد تا هرگاه دستیابی به صلحی عادلانه میسر نباشد از نبرد بهره‌مند؛ اما در عین حال، محافظت از قربانیان ستم را الزام می‌کند.

مقاومت در برابر استبداد

پیامبر(ص) بر توحید، به مثابه یک اصل الهیاتی و اخلاقی، گواهی داد. توحید راه و رسم زندگی ایشان بود. بررسی موضع پیامبر در میانه تقابل امپراطوری‌ها، ممکن است این تصور نادرست را پدید آورد که مبارزه ایشان صرفاً به‌رهایی از ستمی محدود می‌شد که این امپراطوری‌ها نماد آن بودند. بااین حال، در حدیثی مشهور روایت شده است که پیامبر(ص) در بازگشت از نبرد فرمودند: از جهاد اصغر به سوی جهاد اکبر بازگشته‌ایم و هنگامی که از ایشان پرسیدند جهاد اکبر چیست، پاسخ دادند همان مبارزه با نفس است. از این رو، تعهد به توحید مستلزم ایستادگی در برابر سلطه بت‌های درونی امیال دنیوی، مقابله با موانع موجود در مسیر سلوک معنوی، و مقاومت در برابر ستم پرستضعفان است.

الهیات ادیان در آموزه‌های پیامبر(ص)، در برابر ادعاهای انحصارطلبانه رایج در جوامع یهودی و مسیحی نیز می‌ایستد. شاید به همین دلیل است که اولین گزارش مکتوب به‌جامانده از یک مسیحی درباره ظهور پیامبری در میان اعراب، حاکی از آن است که وی اعا می‌کند کلیدهای بهشت را در اختیار دارد. [۱۷] کلیدهای بهشت در میان مسیحیان غربی نماد اقتدار پاپ بود و هیچ‌کس نمی‌توانست بدون تأیید پاپ به بهشت راه یابد. پیامبر(ص) این انحصارگرایی نجات‌ناخستی را مردود شمرد و دروازه‌های بهشت را به روی تمام کسانی که به خداوند، روز جزا و رستایخ‌مردگان ایمان داشتند گشود و آنان را به عضویت در امت خویش فراخواند. در اینجا نیز شرط وضع شده، توحید بود. توحید فرد را به سوی خداوند و جامعه مؤمنان را به سوی وحدت رهنمون می‌شد. در پاره‌ای از احادیث، عمل به توحید، یعنی شهادت بر یگانگی خداوند، کلیدی به شمار می‌رود که دروازه‌های بهشت را می‌گشاید. [۱۸] بر دوش گرفتن رسالت پیامبر(ص) بیان معناست که در تمامی ابعاد زندگی به توحید متعهد باشیم، در برابر هیچ ستمگری سر تسلیم فرود نیاوریم و هرگونه طاغوتی را طرد کنیم؛ خواه این طاغوت در نفس ما لاته کرده باشد، خواه در میدان نبرد و یا حتی در میان صفوف خودمان. شاید سودمند باشد که الهیات مقاومتی را که تا اینجا تبیین کرده‌ام، با الهیات رهایی‌بخش فرید اسحاق، [۱۹] متکلم و کنشگر برجسته مسلمان افراقی‌ای جنوبی، مقایسه کنیم. البته نمی‌خواهم القا کنم که مقاومت و رهایی ذاتاً با یکدیگر ناسازگاراند. شاید تفاوت این دو تنها به میزان تأکید بازگردد. در عمل، هدف ما رهایی از ستم است؛ خواه ستم برخاسته از نژادپرستی نهدانیده باشد، خواه ستم ناشی از سوگیری‌های درونی، الزامی ندارد که الهیات رهایی‌بخش، صرفاً به دلالت‌های اجتماعی و سیاسی‌اش محدود بماند. اما حتی در مواردی که دستیابی به رهایی هدفی غیرواقع‌بینانه می‌نماید، مقاومت

امام خمینی و دیگران با طرح این اندیشه

که پیام رسول خدا(ص)

متضمن هشدار

برای مقاومت

در برابر

بی‌عدالتی

و دفاع از

ستم‌دیدگان

(مستضعفین)

است،

الهام‌بخش

میلیون‌ها

نفر شدند؛

یعنی حمایت

از کسانی که

مژده ارث بردن

زمین به آنان

داده شده

است

همواره امکان‌پذیر است. حتی اگر نتوانم به‌طور کامل بر ذایل اخلاقی‌ام چیره شوم، باز هم می‌توانم در برابرشان مقاومت کنم. حتی اگر دشمنان مان از ما نیرومندتر باشند، باز هم می‌توانیم در برابرشان مقاومت کنیم.

اربعین

همین چند روز پیش اربعین بود؛ چهلمین روز پس از عاشورا که در آن، بار دیگر شهادت امام حسین (ع) را گرامی می‌داریم. بی‌شک، امام حسین (ع) تجسم مقاومت در برابر ستم است. میلیون‌ها نفر پیاده راهی حرم او شده‌اند تا عشق خود را به ایشان و همبستگی‌شان را با ایستادگی وی در برابر بی‌عدالتی نشان دهند. در روایت عاشورا همچنین می‌توانیم به شناخت عمیق و گسترده‌ای از رسالت پیامبر(ص) دست یابیم؛ چرا که انحراف از همین رسالت بود که امام را بر آن داشت تا از بیعت با یزید سر باز زند. و به‌راستی، چه کسی بیش از نوه پیامبر(ص) به رسالت ایشان آگاه است؟ امام حسین (ع) به ما نشان می‌دهد چگونه باید اهمیت رسالت پیامبر را پس از گذشت دو نسل تفسیر کنیم، ایشان در وصیت‌نامه خود به برادرش محمد بن حنفیه، هدف از موضع‌گیری خویش در برابر یزید را به‌صراحت بیان کرده است:

همانا من از روی تکبر و گردن‌کشی و برای فساد و ستمگری قیام نکرده‌ام؛ بلکه تنها برای طلب اصلاح در امت جدم محمد (درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد) به‌پا خاست‌ام. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و در مسیر سیره جدم و پدرم، علی بن ابی‌طالب(ع)، گام بردارم. [۲۰] پاسداری از میراث جدش (ص) ایجاب می‌کرد که راه اسلام از شیوه امپراطوری بناشده به نام آن متمایز گردد. امام حسین (ع) در حقیقت پیرو سیره جد و پدر خویش، امام علی (ع) است؛ کسی که در یکی از خطبه‌های ایرادشده در کوفه (که در نهج‌البلاغه به ایشان منسوب است)، برای تبیین موضع خویش از ادبیاتی مشابه بهره می‌گیرد:

خداوند! تو می‌دانی که حرکت ما نه برای رقابت در کسب قدرت بود و نه برای دست‌یافتن به متاع ناچیز و زودگذر دنیا. ما تنها برای این برخاستیم که نشانه‌های دینت را به جای خود بازگردانیم و در سرزمین هایت اصلاح و آبدادی پدید آوریم، تا بندگان ستم‌دیده‌ات در امان بمانند و احکام بر زمین‌ماندات بار دیگر اقامه شوند. [۲۱]

بار دیگر، جایگاه برجسته نفی امپراطوری را در آموزه‌های گفتاری و رفتاری پیامبر(ص) و اهل‌بیت (ع) می‌یابیم. در سیره و مواضع آنان، حکمت و فضیلتی نهفته است که معیار «مکرام‌الخلاق» را برای ما به نمایش می‌گذارد. امروز خداوند از طریق پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان، بار دیگر ما را به ایستادگی در برابر طاغوت فرا می‌خواند. درست همان‌گونه که امت در صبر پیامبر(ص)، شامل آن دسته از اهل کتابی نیز می‌شد که به اسلام نگرویده بودند، امروز نیز فراخوانده شده‌ایم تا در قالب امتی واحد گرد هم آییم؛ امتی که تمام کسانی را که برای مقاومت در برابر ستم در کنارمان می‌ایستند، در بر می‌گیرد. آریان اسلام، آرمانی فرقه‌گرایانه نیست. پس از حمله فوریه گذشته به ایران، میلیون‌ها نفر در شهرهای سراسر کشور به خیابان‌هاآمدند؛ روپدادی که تجلی خیزش امت، یا به تعبیر شهید فقید، امام خامنه‌ای، «بعثت امت» خوانده شد. در مراسم تشییع پیکر رهبر ستمگری سر تسلیم فرود نیاوریم و هرگونه به‌مراتب عظیم‌تر، از جمله پیروان فرقه‌ها و مذاهب گوناگون دینی، حضور یابند. خیزش امت، در حقیقت یک فراخوان الهی برای قیام علیه ستم است. این خیزش، همین هفته گذشته نیز در راهپیمایی میلیون‌ ژارثانی که پیاده به سوی حرم امام حسین (ع) در حرکت بودند، دیگر بار تجلی یافت. امام حسین (ع) در واقعه کربلا، اهمیت میراث پیامبر(ص) را به‌روشنی عیان ساخت؛ و این حقیقت امروز نیز در حالی که در سوگ ایشان و تمامی شهیدان راه مقاومت در برابر ستم نشسته‌ایم، برای ما همچنان زنده و آشکار است.

متن سخنرانی ارائه شده در جلسه اول دوره «در پرتو نور نبوی» که توسط آکادمی بن‌المللی حکمت مراد امسال برگزار شد. متن سخنرانی توسط حامد مرآتی به فارسی برگردانده شده است.

[۱] کنزالعمال، حدیث شماره ۵۲۱۷. (إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ) doing the beautiful]

[۲] سپس آن مرد با اعتراف به کاستی‌های خود پاسخ داد و بیان کرد که توشه چندانی از نظر روزه یا نماز فراوان آماده نکرده، اما خدا و رسولش را دوست دارد. آن‌گاه پیامبر این پاسخ مشهور را بیان کرد: أَنتَ مَعِ مَنْ أَحْبَبْتَ (تو با کسی هستی که دوستش داری).

[۴] همچنین بنگرید به: مزامیر ۳۷: ۱۱ و متی ۵: ۵؛ Zishan Ahmad Ghaffar [۵] Juan Cole [۶] Corpus Coranicum [۷] Angelika Newirth [۸] Der historische Muhammad in der islamischen Theologie Kontext [۹] Der Koran in seinem religions- und weltgeschichtlichen Kontext [۱۰] true cross [۱۱] Nebuchadnezzar II [۱۲] physical decontextualization [۱۳] Entallegorisierung [۱۴] Cole (۲۰۲۵)، ۲۳۰. [۱۶] Cole (۲۰۱۸) See Sean Anthony, Muhammad and the Empires of Faith (Uni- [۱۷] iversity of California Press، ۲۰۲۰).

[۱۸] همان، ص ۴۹. در روایات دیگر آمده است که کلید بهشت، نماز است.

[۱۹] Farid Esack [۲۰] این روایت در بحارالانوار مجلسی، نفس‌المهموم قمی و مقتل‌الحسین خوارزمی نقل شده است.

[۲۱] نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳

نگاهی نو به سیره نبوی

واکاوی تجربه امت اسلامی برای زیستن

در جهان سیاست در **نخستین بهار** نوشته وضاح خنفر

آیا واقعاً می‌توان زندگی‌نامه همه‌جانبه‌ای برای یک انسان نوشت و در آن، فراز و نشیب‌های شخصیت او را به تصویر کشید؟ این پرسشی است که دکتر طریف خالدی در ابتدای مقاله ارزشمند خود با عنوان «سیمای پیامبر اسلام در میراث فکری مسلمانان» در کتابی که با نام «زیستن با کتاب» به فارسی ترجمه شده، مطرح کرده و به دنبال آن، به تلاش سیره‌نویسان برای عرضه زندگی‌نامه رسول گرامی اسلام پرداخته و آنها را در گونه‌های مختلف دسته‌بندی کرده است.

به گفته دکتر خالدی که خود از پژوهشگران نامدار حوزه تاریخ است، آنچه سیره‌های پیش از دوران معاصر تصویر کرده‌اند، بین تصاویر قدسی و انسانی در نوسان است. اما از قرن نوزدهم بدین سو، یعنی در دوره معاصر، عموم کتب سیره‌رنگ انسانی به خود گرفته‌اند. او اولین نمونه از این آثار را در کتاب‌های مسلمانان هند به زبان انگلیسی معرفی می‌کند و از کتاب «روح اسلام» یا «زندگی و آموزه‌های محمد» نوشته سید امبرعلی نام می‌برد که در پاسخ اتهامات خاورشناسان به رشته تحریر درآمده است. سپس از محمد عبده، علی عبدالرازق، توفیق الحکیم و طه حسین یاد می‌کند که راه را برای نگارش‌های نو در سیره باز کردند. از نظر طریف خالدی، آثار این نویسندگان و دیگر سیره‌نویسان معاصر که تعدادشان اندک نیست، هرچند در پرداختن به جنبه‌های این جهانی رسول گرامی اسلام همسویی دارند، اما هر یک از منظر خاص خود به آن دوره از تاریخ نظر کرده‌اند.

شاید تازه‌ترین نمونه از این آثار کتاب «نخستین بهار» نوشته دکتر وضاح خنفر باشد که با عنوان فرعی «خوانش مترجم: سیاسی سیره نبوی (ص)» از سوی نشر هرمس به فارسی ترجمه و منتشر شده است. وضاح خنفر اندیشمند فلسطینی و از نام‌آورترین چهره‌های رسانه‌ای جهان عرب، به دلیل دانش خود در رشته روابط بین‌الملل و تجربه‌اش در چندین سال مدیریت شبکه خبری الجزیره در اوج جنبش موسوم به «بهار عربی»، کوشیده تا نگاهی پسینی به دوره ظهور اسلام، زمینه‌های پیدایش اسلام را واکاوی کند و مهارت بی‌بدیل پیامبر در به هم زدن موازنه قوای جهانی و نمایان‌سازی هویت اسلامی به عنوان سومین قدرت اثرگذار را تحلیل کند.

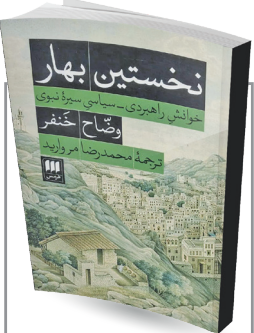
«نخستین بهار» به گفته نویسنده‌اش، در پرتو یک نیاز و برای پاسخ به پرسش از چرایی ناکامی مسلمانان امروز در عرصه جهانی شکل گرفته است. خنفر بازگشت به تاریخ و بازخوانی رخداد‌های دوره پیامبر و تحلیل وقایع آن دوره را کاری بایسته برای یافتن دره‌های جامعه امروز می‌داند. او در این بازگشت، نه مانند در گذشته زبیا و دلنواز از دنبال می‌کند و نه اندیشه سلفی‌گری را مقدس می‌شمارد. به باور او، «خبر در آینده است» اما مسیر آن را با نگاه به سیره باید پیچود.

نوآوری‌های خنفر

وضاح خنفر در کتاب «نخستین بهار» نوآوری‌هایی دارد که برخی از آنها این‌ترند از:

- مقایسه شخصیت والای پیامبر اسلام با چهره‌ان از بزرگ‌ترین شخصیت‌های استثنایی تاریخ یعنی داریوش اول، اسکندر مقدونی، ژولیوس سزار و ژوستینین اول که با رفتارشان در عمل همه نقشه‌های دنیا را دگرگون کردند و موازنه قوا را تغییر دادند، اما هر چهار نفر راهکار یکسانی داشتند: تحکیم قدرت از راه ثروت‌افزایی و اقدام نظامی؛ در حالی که گوهر پیامبر با آنها تفاوتی ماهوی و بنیادی دارد.
- بررسی راه‌های مواصلاتی شرق - غرب جهان آن روز و مسیرهای چهارگانه خاکی و آبی موسوم به راه ابریشم و هوشیار هاشم جد پیامبر در استفاده از فرصت ناشی شدن راه‌های معمول و گشودن کریدور تازه‌ای با مرکزیت مکه برای رونق بخشیدن به آن خطه.
- تحلیل نسلی قبایل آن روز مکه و معرفی آن شهر به عنوان شهری که همیشه با مدیریت شورایی اداره می‌شده و شاه‌گزیز بوده است.
- بررسی گسترده واژه ایلاف و نقش آن در شکوفایی مکه و الگودراری پیامبر از آن برای برقراری ایلاف مدینه به جای ایلاف مکه.
- بررسی مفصل ائتلاف‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای و محلی و تأثیر هر یک بر فراز و فرود قبایل.
- پژوهشی با استفاده از اسناد و مدارک محلی درباره تعیین محل دقیق حبشه، به عنوان اولین شهر مقصد مهاجران از مکه.
- بررسی گزینه‌های مختلف پیامبر برای هجرت و چرایی انتخاب شهر یثرب. در کنار آبادی‌های طائف و حبشه و خیبر و صنعاء و حیره و شام.
- تلاش پیامبر برای جلوگیری از مخالفت با کلیت قریش و تقبیک آن قبیل بهین قریش مکه و قریش مهاجر به مدینه و تقسیم قریش مکه به جوانان ماجراجو تندرو از یک سو و پیران محافظه‌کار از سوی دیگر- تلاش برای ارتباط گرفتن با قریش میانروه برای گشودن راه ورود مسلمانان به مکه.
- مخاطب قراردادن جوانان که بدون آنها تو به نو شدن محال است و امید به آینده بی معنا و همین که پیامبر آنها را خطاب قرار می‌دهد به این معناست که رسالتی برای آینده دارد.
- تأکید بر واژه امت با اشاره به اقدامات پیامبر برای هم‌افزایی و پیشگیری از چندپاره شدن جامعه.
- تفسیر مفصل و خواندنی نویسنده از پیمان مدینه به عنوان یک سند پیشرو همزمان با ورود به مدینه، برای همزیستی با مسیحیان و یهودیان.
- اشاره به صلح حدیبیه به عنوان مقدمه ناگزیر فتح مکه و اینکه قرآن فتح مبین را نه فتح مکه بلکه صلح حدیبیه می‌داند که یک پیروزی بدون خونریزی بوده و پیامدهایی بسیار گسترده‌تر از پیروزی‌های نظامی داشته است.
- تفسیر مفصل و خواندنی نویسنده از پیمان مدینه به عنوان یک سند پیشرو همزمان با ورود به مدینه، برای همزیستی با مسیحیان و یهودیان.
- اشاره به صلح حدیبیه به عنوان مقدمه ناگزیر فتح مکه و اینکه قرآن فتح مبین را نه فتح مکه بلکه صلح حدیبیه می‌داند که یک پیروزی بدون خونریزی بوده و پیامدهایی بسیار گسترده‌تر از پیروزی‌های نظامی داشته است.
- «نخستین بهار» که لذت کشف جنبه‌هایی تازه از سیره نبوی را به ما می‌چشاند، به تعبیر وضاح خنفر، از این رو چنین نام گرفته که برنامه پیامبر یک بهار است، آغاز

شکوفایی یک امت و اولین تجربه امت اسلامی برای زیستن در جهان سیاست. همین اهمیت است که گرچه زمان اندکی از انتشار آن نگذشته، علاوه بر ترجمه فارسی به زبان‌های انگلیسی و ترکی استانبولی و پشتون نیز ترجمه شده و بارها به چاپ رسیده است.



نخستین بهار

خوانش راهبردی: سیاسی سیره نبوی

- نویسنده: **وضّاح خنفر**
- مترجم: **محمد رضا مروارید**
- انتشارات: **هرمس**
- تعداد صفحات: **۵۳۴ صفحه**
- قیمت: ۳۱۰۰۰۰ تومان**

۱۳



هزار و یکصد سال واژه‌ی بهار رحمت‌ا

بزرگداشت هزار و یانصدمین سال ولادت پیامبر رحمت(ص)



هزار و یکصدمین سال ولادت پیامبر رحمت(ص)

- شنبه
- ۷ شهریور ۱۴۰۵
- ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸

- سال
- سی و دوم
- شماره ۹۱۰۹

- Saturday
- 29 August 2026
- Vol 9109

وضاح خنفر، اندیشمند فلسطینی و از نام‌آورترین چهره‌های رسانه‌ای جهان عرب، به دلیل دانش خود در رشته روابط بین‌الملل و تجربه‌اش در مدیریت شبکه خبری الجزیره کوشیده تا در کتاب «نخستین بهار» با نگاهی پسینی به دوره ظهور اسلام، زمینه‌های پیدایش امپریالیستی در مواجهه با تقابل امپراطوری‌ها، به جای آنکه در این چارچوب امپریالیستی به سود یکی از قدرت‌ها سوگیری کند، تبیین می‌کند که چگونه یک امت و جامعه دینی می‌تواند با مقاومت در برابر سلطه امپراطوری‌ها، برای استقرار عدالت تلاش کند.

موزح دیگری که در اینجا به معرفی او می پردازم، خوان کول است. او دانش‌آموخته مطالعات دینی و اسلامی است که سال‌ها در دانشگاه میشیگان فعالیت داشته و در آنجا صاحب کرسی تاریخ (کرسی ریچارد بی. میچل) است. سابقه فعالیت در مقام استاد مدعو و وابسته در مراکز نظیر دانشگاه قطر نیز در کارنامه او دیده می‌شود. کول تاکنون خود را رسماً پیرو دین یا مذهب خاصی معرفی نکرده است. از تحسین‌شده‌ترین آثار تاریخی او می‌توان به «ریشه‌های تشیع شمال هند در ایران و عراق» (۱۹۸۸)، «استعمار و انقلاب در خاورمیانه» (۱۹۹۳)، «فضای مقدس و جنگ مقدس» (۲۰۰۲) و «مصر ناپلئون» (۲۰۰۷) اشاره کرد. او در کتاب «محمد: پیامبر صلح در میانه تقابل امپراطوری‌ها» (۲۰۱۸) شرحی بر زندگی و رسالت پیامبر(ص) ارائه داده است. پس از آن نیز تألیف کتاب «بازاندیشی قرآن در دوران باستان متأخر» را به انجام رساند که در سال ۲۰۲۵ منتشر شد.

همان‌گونه که از عنوان کتاب سال ۲۰۱۸ او برمی‌آید، کول نیز مانند غفار و دیگر مورخان معاصر صدر اسلام، بررسی ظهور اسلام را در

امروز خداوند

از طریق پیامبر(ص) و اهل بیت ایشان، بار دیگر ما را به ایستادگی در برابر طاغوت فرا می خواند.

آرمان اسلام،

آرمانی

فرقه‌گرایانه

نیست. پس

از حمله

فوریه گذشته

به ایران،

میلیون‌ها نفر

در شهرهای

سراسر کشور

به خیابان‌ها

آمدند؛

روپدادی که

تجلی خیزش

امت، یا به

تعبیر شهید

فقید، امام

خامنه‌ای،

«بعثت امت»

خوانده شد

است

الهام‌بخش

میلیون‌ها

نفر شدند؛

یعنی حمایت

از کسانی که

مژده ارث بردن

زمین به آنان

داده شده

است

الهام‌بخش

میلیون‌ها

نفر شدند؛

یعنی حمایت

از کسانی که

مژده ارث بردن

زمین به آنان

داده شده

است

الهام‌بخش

میلیون‌ها

نفر شدند؛

یعنی حمایت

از کسانی که

مژده ارث بردن

زمین به آنان

داده شده

است

الهام‌بخش

میلیون‌ها

نفر شدند؛

یعنی حمایت

از کسانی که

مژده ارث بردن

زمین به آنان

داده شده

است

الهام‌بخش

میلیون‌ها

نفر شدند؛

یعنی حمایت

ستایش پیامبر در شعر فارسی

حضرت محمد (ص) در آینه شاعران ایرانی



شعر

هزاروپانصد سال از میلاد حضرت محمد(ص) می‌گذرد؛ پیامبری که در یکی از دورترین و خاموش‌ترین گوشه‌های جهان آن روزگار ظهور کرد؛ اما سخنش از مرزهای جغرافیا گذشت و به یکی از بزرگ‌ترین روایت‌های تاریخ بشر بدل شد. در این ۱۵ قرن، درباره ایشان بسیار گفته‌اند و بسیار نوشته‌اند؛ از سیره‌نویسان نخستین تا مورخان و متکلمان، از شاعران و فیلسوفان تا شرق‌شناسان و پژوهشگران روزگار جدید. هر دوره‌ای کوشیده است حضرت محمد(ص) را از منظر پرسش‌های خود دوباره بخواند و نسبت خویش را با او و میراثش روشن کند. نعت خاتم‌انبیاء، حضرت محمد(ص)، سنتی دیرینه در ادب فارسی است که بعد از حمد و ثنای خداوند متعال، در دواوین شعرای اعصار مختلف جای داشته است. اشعاری که شاعران به مدد آن شعر و اندیشه‌شان را متبرک می‌کردند و تلاشی بود برای نشان دادن اظهار ارادت‌شان به ساخت قدسی رسول خدا(ص). این سنت همچنان در ادب فارسی ادامه دارد، اما شیوه و سیاق آن متناسب با سبک و زبان زمانه تغییراتی پیدا کرده است. به مناسبت هزاروپانصدمین سال میلاد حضرت ختمی مرتبت مروری داریم بر برخی از اشعار شاعران شاخص ادوار مختلف در نعت ایشان.

دوبلای محمدی ابوسعید ابوالخیر شاعر قرن چهارم	تأبش رخسار تست آن را که می خوانی صباح سایه زلفین تست آنجا که می گویی مسا	عشق محمد بیس است و آل محمد مشرف‌الدین سعدی شیرازی شاعر قرن هفتم	خطبه شاهان بگرد آن کیا جز کیا و خطبه‌های انبیا	•••	به بوی او دل بیمار عاشقان چوصبا فدای عارض نسرین و چشم نرگس شد
	یارب به محمّد و علی وزهرا یارب به حسین و حسن و آل عبا کز لطف بَرّار حاجتم در دوسرا بی منتّ خلق، یا علی الاعلا!	روبه‌روی تو کز آنجا جان را «ما و دَعک» شوه زلف تو کزین آتش دلت را «ما قالا»	زانک توش پادشاهان از هواست بازنامه‌انبیا از کبریاست	•••	به صدر مصطبه‌ام می‌نشانند اکنون دوست گدای شهرنگ که که میر مجلس شد
•	هر که اینجا به نشد آنجا برو داروش کن کاین چنین معلول را به سازند آب و هوا	ماه فروماند از جمال محمد سرو نباشد به اعتدال محمد	از درم‌ها نام شاهان تیر کنند نام احمد تأید بر می‌زنند	•••	ز شرع او که مهر انور آمد جهان را مهر بالایی سر آمد
بی‌شک الفست احد، ازو جوی مدد وز شخص احد به ظاهر آمد احمد در ارض محمد شد و محمود آمد اذ قال الله: «قل هو الله احد»	قدر فلک را کمال و منزلتی نیست در نظر قدر با کمال محمد	نام احمد نام جمله‌انبیاست چونک صد آمد نمود هم پیش ماست	طرب‌سرای محبّت کنون شود معمور که طاق ابروی یارِ مَنش مهندس شد	•••	هزاران راه را یک راه کرده سخن بر ره‌روان کوتاه کرده
•••	لاجرم چندان شرابت بخشم از حضرت که تو از عطا خشنود گردی و آن ضعیفان از خطا	وعدۀ دیدار هر کسی به قیامت لیله اسری شب وصال محمد	خاک پای مصطفی نظامی گنجوی شاعر قرن هفتم	لب از ترشح می‌پاک کن برای خدا که خاطر به هزاران گنّه مَؤسوس شد	سپرده‌ره به ره‌داران مقصود همه غولان ره را کرده نابود
قسیم کفرو ایمان سنایی غزنوی شاعر قرن پنجم	دیواز دیوی فروریز همی در عهد تو آدمی را خاصه با عشق تو کی ماند جفا	آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی آدمه مجموع در ظلال محمد	گردین دارم و گرت پرستم بیا مرزم به هر نوعی که هستم به فضل خویش کن فضلی مرا یار به عدل خود ممکن با فعل من کار بلی از فعل من، فضل تو بیش است اگر بنوازی‌ام بر جای خویش است به خدمت خاص کن خرسندی‌ام را به کس مگذار حاجتمندی‌ام را چنان دارم که در نابود و به بود چنان باشم کز تو باشی تو خشنود فراغم ده ز کار این جهانی چو افتد کار با تو، خود تودانی چراغم را ز فیض خویش ده نور سرم را آستان خود مکن دور دل مست مرا هشیار گردان ز خواب غفلتم بیدار گردان زبانم را چنان ران بر شهادت که باشد ختم کارم بر سعادت چو حکمی راند خواهی با قضاپی به تسلیم اقرین در من رضایی دماغ دردمندم را دوا کن دواش از خاک پای مصطفی کن	چوز عزیز وجودست نظم من آری قبول دولتیان کیمیا این مس شد	کرمشه توشرابی به عاشقان پیمود که علم بی خبر افتاد و عقل بی حس شد
کفرو ایمان راهم اندر تیرگی هم در صفا نیست دارالملک، جز رخسار و زلف مصطفّا	نه تو دُری بودی اندر بحر جسمانی یتیم فضل ما تاجیت کرد از بهر فرق انبیا	همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد تأیدهد بوسه بر نعال محمد	ز راه میکده یاران عنان بگردانید چرا که حافظ ازین راه رفت و مفلس شد	•••	شب‌ها، به پاسگاه حیرم مقدسش با چشمک ستاره به هر سوزنظار کن
نسخه جبرو قدر در شکل روی و موی اوست این ز «واللیل» شد تومعلوم آن از «والضحا»	نی تو راه شهر خود گم کرده بودی ز ابتدا ما تو را کردیم با همشهریانت آشنا	مادری کن مریتیمان را ببروشان به لطف خواجگی کن سایلان را طعم‌شان گردان وفا	شاید اگر آفتاب و ماه نتابد پیش دو ابروی چون هال محمد	•••	در معبد زمین، چونکند نیمه‌شب نماز قندیل، ماه، و شمع شبستان، ستاره کن
رحمت زان کرده‌اند این هر دو تا از گرد لعل این جهان را سرمه بخشی آن جهان را توتیا	با تو در فقر و یتیمی ما چه کردیم از کرم تو همان کن ای کریم از خلق خود با خلق ما	سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بیس است و آل محمد	نی هیچ جامنزل مرانی دل به کس میل مرا من ناقه را و دل مرا، سوی حیرم جان کشان	•••	اکنون (حسان) به مهر محمّد و آل او درماندگی روز جزا را تو چاره کن
اندرین عالم غریبی، زان همی گردی ملول تا «ارحنا یا بالوت» گفت باید برملا	نعمت از ما دان و شکر از فضل ما کن تا دهیم مرتور ازین شکر نعمت، نعمتی دیگر جزا	•••	چون کعبه آمد قبله‌گه، بر طایفان بگشاده‌ره هر سنگ از او سنگ سبیه، هر کنج بامش ناودان	•••	مکه‌شب همه شب را ستاره‌باران بود علی معلم دامغانی شاعر معاصر
عالمی بیمار بودند اندرین خرگاه سبز قاید هر یک وبال و سابق هر یک وبا	از زبان خود ثنایی گوی ما را در عرب تا زبان ما تو را اندر عجم گوید ثنا	نام احمد نام جمله‌انبیاست جلال‌الدین محمد بلخی (مولانا) شاعر قرن هفتم	ستارای بدرخشید و ماه مجلس شد شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی شاعر قرن هشتم	•••	به مکه شب همه شب را ستاره باریده است شگفت واقعه‌ای تا که یاکه نشنیده است
گرز داروخانه روزی چند شاکردت به امر شریتی ناودیشان این جابه حکم امتلا	ای یتیمی دیده اکنون با یتیمان لطف کن وی غریبی کرده اکنون با غریبان کن وفا	باد در مردم هوا و آرزوست چون هوا بگذاشتی پیغام هوست	ستارای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیده ما را رفیق و مونس شد	•••	خبر ز وادی نجوا دوواحه این طرف است صحنه‌ای از آن سو قبیلۀ معترف است
گر تو را طعنی کنند ایشان مگیر از بهر آنک	خلعت واحسان شاعر سنت هم نام تست باز احسان تو زین سنت سنایی راسنا	خوش بود پیغام‌های کردگار کوز سرتا یا باشد پایدار	نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت به غمزه مسالۀ آموز صد مژدس شد	•••	قراولان شفق تا سپیده برآندند تمام قافله‌های رسیده برآندند

۱۵۰۰ سال با پیامبر رحمت

ادامه از صفحه ۹

کتاب، دانش و فضای دیجیتال

مخاطب امروز و جهان فردا

سیره پیامبر(ص) برای ماندگاری در ذهن نسل امروز، به کتاب، پژوهش، رسانه و فناوری نیاز دارد. از این منظر، طرح «میلاد نوره» در بازار کتاب با اعطای یارانه خرید کتاب و ارائه آثار مرتبط با پیامبر(ص) اجرا شده است. اختصاص بخش‌های ویژه به جوانز ادبی، ترجمه آثار برتر به زبان‌های بین‌المللی، چاپ کتاب‌های تخصصی و برگزاری نشست‌های کتاب‌محور، از جمله مسیریایی است که در برنامه جامع ستاد دیده شده است. در حوزه علمی نیز برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی درباره سیره، اخلاق، تاریخ، صلح و مدارا، حمایت از پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری با موضوعات

نبوی، فرصت‌های تحقیقاتی کوتاه‌مدت و ایجاد شبکه‌ای از نخبکان و پژوهشگران، در دستور کار قرار دارد.

فضای مجازی و فناوری‌های نو ظهور نیز جایگاهی جدی در این نقشه راه دارند: تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی، راه‌اندازی پویش‌های فراگیر، طراحی بازی‌های رایانه‌ای و تولیدات آموزشی از جمله بازی‌های «محمد کیست» و «قرآن و زندگی پیامبر(ص)»، طراحی پلتفرم چندرسانه‌ای پیامبر رحمت و بهره‌گیری از هوش مصنوعی برای تولید محتوای متناسب با مخاطب جهانی، از جمله برنامه‌های این بخش است.

برگزاری هشت پویش مجازی سراسری، تولید ۲۰ مورد فضا سازی شهری و دیوارنگاره در مراکز استان‌ها با موضوع وحدت اسلامی و برگزاری ۱۰ شب شعر وحدت، نشان می‌دهد پیوند دادن

فضای واقعی و فضای مجازی، یکی از رویکردهای مهم ستاد است.

پیامبر رحمت

نقطه اتصال ایران و جهان اسلام

دیپلماسی فرهنگی و ارتباط با جهان اسلام، یکی دیگر از پایه‌های اصلی این حرکت است. رایزنی با هیأت‌های کشورهای اسلامی، هماهنگی با دفتر دبیرکل سازمان همکاری اسلامی برای برنامه‌های جمعی کشورهای عضو، تشکیل کارگروه دیپلماسی اسلامی با حضور نهادهای فرهنگی، دینی و رسانه‌ای و ارسال دستورالعمل به نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، بخشی از این اقدامات است. برگزاری ویژه‌برنامه فرهنگی‌هنری «رحمة للعالمین» با حضور وزیر امور خارجه، شهردار تهران و سفرا، نمونه‌ای از تلاش برای پیوند دادن

دیپلماسی رسمی و دیپلماسی فرهنگی با محوریت شخصیت رسول خدا(ص) است. افق این برنامه‌ها روشن است: معرفی پیامبری که دعوتش بر پایه رحمت بود؛ پیامبری که اخلاق را برای تکمیل مکارم آن برگزید؛ پیامبری که کرامت انسان، عدالت، خانواده، دانش، صلح و همزیستی را در متن زندگی اجتماعی قرار داد.

ستاد بزرگداشت هزاروپانصدمین سال ولادت پیامبر رحمت(ص)، در حقیقت تلاشی است برای آنکه این پیام، از قاب مراسم و مناسبت عبور کند و در زبان هنر، دانش، رسانه، خانواده، مدرسه، دانشگاه، مسجد، فضای مجازی و روابط بین‌الملل جریان یابد. ۱۵۰۰ سال پس از میلاد پیامبر رحمت، همچنان می‌توان از آوا مویخت که جهان را با اخلاق، انسان را با کرامت و امت را با همدلی می‌توان ساخت.

دریای امکان و قدم، بودند در طغیان به هم
اودر میانشان از کرم، شد «برزخ لایبغیان»

می ساخت روشن راه را، دعوت کنان بدخواه را
بشکست قرص ماه را، بر گوشه این گرد خوان

شد سوی اعدا از کرم، زد پیش او از حال سم
برزغاله مسموم دم، گزوی نیالاید دهان

ز اندک طعامی در دمی، اطعام کرده عالمی
و آن طعمه بی‌بیش و کمی، باقی به جایش همچنان

سایه نبودش همچو خور، و این طرفه‌تر اندر سفر
از تاب خود با آلی سر، بودش سحابش سایه‌بان

هر گه نهاده پا بیرون، از تنگنای چند و چون
یک گام او بوده فروزن، از عرضه کون و مکان

بر امت گستاخ وی، کرده بساط لطف طی
گر نهند آن فرخنده پی، پای شفاعت در میان

اوصاف او پیش خرد، بیرون بود از حد و عد
حاشا که در عمر اید، آخر شود این داستان

•••

پیغمبر آخر زمان

وحشی یاقفی

شاعر قرن دهم

چه ذاتی عین نور ذوالجلالی
چه نوری اله اله لا ِی‌زالی

ز نورش هر کجا آثار روحی ست
به خدمت اندرش هر جا فتوحی ست

جهان را علت غایی وجودش
وجود جمله موج بحر جودش

نه خورشیدی که چون پنهان کند روی
گذارد دهر را ظلمت از هر سوی

فروزان نبری کاندل نقاب است
ازو عالم سراسر آفتاب است

ز شرع او که مهر انور آمد
جهان را مهر بالایی سر آمد

هزاران راه را یک راه کرده
سخن بر ره‌روان کوتاه کرده

سپرده‌ره به ره‌داران مقصود
همه غولان ره را کرده نابود

میان آب و گل آدم نهان بود
که او پیغمبر آخر زمان بود

•••

شمس جمال محمد

حبیب‌الله چایچیان

شاعر معاصر

ای آسمان به صورت ماهش نظاره کن
از شرم روی او، مه خود را دوباره کن

بشمار، اختران شب افروز خویش را
آنکه بیافضائل او را شماره کن

شمس جمال او، چو فلک، جلوه‌گر شود
قربانش اختران، همه با یک‌اشاره کن

شب‌ها، به پاسگاه حیرم مقدسش
با چشمک ستاره به هر سوزنظار کن

در معبد زمین، چونکند نیمه‌شب نماز
قندیل، ماه، و شمع شبستان، ستاره کن

ای چرخ فامه چرخ امشب به تن نمای
پولک، ز اختران از مه، ز گوشواره کن

عمر دوباره، بوسه به خاک قدوم اوست
دستت چو می رسد طلب از او دوباره کن

اکنون (حسان) به مهر محمّد و آل او
درماندگی روز جزا را تو چاره کن

•••

مکه‌شب همه شب را ستاره‌باران بود

علی معلم دامغانی

شاعر معاصر

به مکه شب همه شب را ستاره باریده است
شگفت واقعه‌ای تا که یاکه نشنیده است

خبر ز وادی نجوا دوواحه این طرف است
صحنه‌ای از آن سو قبیلۀ معترف است

قراولان شفق تا سپیده برآندند
تمام قافله‌های رسیده برآندند

سپیده زید بنی امر هم‌قربانه من
نزول کرد به اشفاق در خرابه من

نزول کرد چو بر خوان طلائین میهمان
نزول شیخ‌بنی سهم بر بنوشی‌بان

فردود آمد از آن تیزگام تازنده
فردود آمدن امر بر بنو کنده

بهار و باغ مرا عطر ارغوان آورد
مراز واقعه دوش ارمان آورد

که دوش جای تو خالی که جای یاران بود
که مکه شب همه شب را ستاره‌باران بود

•

شگفت واقعه‌ای تا که یاکه نشنیده است
به مکه شب همه شب را ستاره باریده است

به سعد و نحس چه تا بازگونه خواهد بود
شگفت واقعه‌ای تا چگونه خواهد بود

چه فتنه، رامی افلاک در گمان دارد
فلک به قدح مقدر چه در گمان دارد

در آمد آن که دل از چار گوشه بردارم
چهار روز و سه شب راه‌توشه بردارم

به بدمال ندارم غم مناقص را
جهاز برزهم آن بی‌سراک راقص را

سبک‌روان صبارا به تک چوسایه شوم
به رنگ صبح سبق را به کوهپایه شوم

به کوهپایه در، از اهل شیوه کاهنه‌ای است
که سحر سامریان با دُمش مدهانه‌ای است

مسخرات فلک سخره همیشه اوست
طلسمم و زنج و عازیم کمینه پیشت اوست

•

هلا سپیده، هلا صبح سکر نوزانی!
مگر عشیره خورشید را بشورانی

هزار لوری سیمین کمان، کمندافکن
هزار نیزه‌ور یل، هزار زوبین‌زن

هلا سپیده، هلا صبح سکر نوزانی!
مگر عشیره خورشید را بشورانی

برآ که خواب ستاره صراحتی دارد
شکسته می‌گذرد شب، جراحی دارد

چنان که فارس غشان به تک به لخم زده است
پلنگ زنگی شب را ستاره زخم زده است

منت به شیوه‌برادر کنایه می‌گویم
ز قول کاهنه‌کوهپایه می‌گویم

شد آن که جیش ملک روح را فرود آرند
ز پشت زین، شب مجروح را فرود آرند

•

شگفت واقعه‌ای تا که یاکه نشنیده است
به مکه شب همه شب را ستاره باریده است

خبر ز وادی نجوا دوواحه این طرف است
به چار سدره از آن سو، قبیلۀ معترف است

طنین نور در افکند در رگ شب گیج
غریوبانگ یهود منجم از تک زنج

که هان، بشارت موسی، روایت تبشیر
هلا تلاوت رؤیا، حالات تعبیر

همان نشاط طلوع از دم دوباره صبح
هلا ستاره احمد(ص)، هلا ستاره صبح

به تیغ سرخ سحر رخنه در شب داجی
طلوع آتش جاوید کویک ناجی

•••

پامحمد!

محمد کاظم کاظمی

شاعر معاصر

پامحمد! نفسی سوخته در دل داریم
آتشی سرخ و برافروخته در دل داریم
پامحمد! شر را بوده عصیان ماییم
تشنه‌تر، خشک‌تر از ریگ بیابان ماییم

پامحمد! همه جز پوچی تکرار نبود
چهارده قرن غم بود و علمدار نبود
پامحمد! شب طوریم، برای از پس ابر
چشم‌لرزان ظهوریم، برای از پس ابر

و کسی گفت، چنین گفت: «کسی می‌آید»
«زده‌ای دل! که مسیحا نفسی می‌آید»

ما یقین داریم آن سوی افق مرئی هست
مرداگر هست، بداندیک که ناوردی هست

«جشن پیامبر رحمت» در تالار وحدت برگزار می‌شود: محفل پرسشور با حضور اهالی فرهنگ، هنر و اندیشه، رهبران و نمایندگان کم‌نظیر در میانندگان مجلس شورای اسلامی، سفیران و دیپلمات‌های کشورهای مختلف جهان و چهره‌های برجسته قومیت‌های گوناگون ایران زمین، این رسوّل اکبر(ص) خواهد بود. بخش مهم و ماندگار این آیین، تجلیل و قدردانی از هنرمندان، نویسندگان و اندیشمندانی است که در طول سال‌ها با خلق آثار فاخر و اثرگذار، به تبیین و ترویج ابعاد شخصیت والای پیامبر مهرنانی پرداخته‌اند؛ گامی در جهت تکریم هنر متعهد و پاسداشت کوشش‌هایی که نام و سیریه نبوی را در جان و جهان معاصر جداونه ساخته‌اند.

نقطه‌اوج: طنین همدلی و هنر در تالار وحدت
پایان بخش و نقطه‌اوج این تگاپوی گسترده فرهنگی و هنری، برگزازی چهار شب ویژه‌برنامه کم‌نظیر در پایتخت است؛ رویدادی چندساحتی که پیوند میان هنر فاخر، آیین‌های اصیل اقوام و معارف نبوی را به تصویری می‌کشد. در طول این چهار شب، مجموعه آثار درخشان موسیقی پاپ با صدای هنرمندانی چون دکتر محمد اصفهانی، اجرای نمایش‌های صحنه‌ای و تئاترهای آیینی و شب‌های شعرخوانی با حضور شاعران برجسته کشور خواهد بود تا جلوه‌ای تشاشایی از تنوع فرهنگی ایران، ذیل نام بلند پیامبر رحمت خلق شود.
در نهایت، همزمان با شب میلاد فرخنده حضرت محمد مصطفی(ص)، آیین بزرگ و باشکوه